سیمای صالحان (۶)



مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

شخصیت و زندگی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی (ره)

غلامرضا گلی زواره

بسم الله الرحمن الرحیم

شخصیت و زندگی حجت الاسلام و المسلمین سیداحمد خمینی (ره)

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شخصیت و زندگی حجت الاسلام و المسلمین سیداحمد خمینی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه: گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: شخصیت و زندگی حجت الاسلام والمسلمین سید احمدخمینی(ره) / غلامرضا گلی زواره؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفترعقل،مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما ،۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۴ ص. ـ ـ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۵۶۴)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۵۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: خمینی، احمد، ۱۳۲۴-۱۳۷۳.

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸گ۸خ/۱۶۷۰ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۰۵۶۲

ص:۱

اشاره

شخصیت و زندگی حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد خمینی(ره)

کد: ۱۵۶۴

نویسنده: غلامرضا گلی زواره

ویراستار: ابوذر هدایتی

تهیه‌کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار : ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۹-۵۵-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ / ۹-۵۵-۵۵۶۳-۶۰۰-۹۷۸ :ISBN

دیباچه

دیباچه

انقلاب اسلامی ایران انفجار نوری بود که در عصر ظلم و ظلمت، در قرن بیستم رخ داد و رهبرش خورشیدی بود که از غرب طلوع کرد و چشم جهانیان را به سویش خیره ساخت.

پیرامون این کانون روشنایی و هدایت ستارگانی هم بودند که گرچه در پرتو پرفروغ خورشید رهبری جلوه ای نداشتند، از جایگاهی ویژه برخوردار بودند. یکی از پرمایه ترین آنان مرحوم سید احمد خمینی رحمه الله بود که همواره خدمت گزار امام راحل و اهداف مقدسش بود و هیچ گاه داعیه ای جز خدمت نداشت. آنچه در پی می آید نظری و گذری است به زندگی نامه و خدمات آن عزیز سفر کرده که به همت پژوهشگر ارجمند جناب آقای غلامرضا گلی زواره به انجام رسیده است. ضمن تشکر از ایشان امید است مورد توجه نسل نو انقلاب قرار گیرد.

پیش گفتار

پیش گفتار

بـدون شـک، در شـکل گیری خیزش هـای دینی بـه رهـبری حمـاسه آفرینـان بزرگ، برخی شخصـیت هـا بیش از دیگران در پیشـرفت و پیروزی این نهضت هـا اثرگـذار بوده انـد، حجت الاسـلام و المسـلمین حـاج سـید احمـد خمینی یکی از سـتارگان فروزان در سـپهر مقـاومت و فـداکاری است که در حسـاس ترین موقعیت هـای انقلاـب اسـلامی ایران، با نقش آفرینی خویش تاریکی های راه را می زدود و از ایجاد شکاف در میان مبارزان جلوگیری می نمود.

بـا وجود تلاـش هـای صادقـانه و خالصـانه و محبوبیتی که نزد امـام و امت داشت، هیـچ گـاه نخواست جایگاه محوری خود را برجسـته نشـان دهـد و همواره با تحمل سـختی های فراوان در این راه، خود را کوچک ترین خـدمت گزار جامعه اسـلامی می دانست و برای خویشتن شأنی قائل نبود.

مردم نیز گرچه او را مدافع واقعی آرمان های انقلاب اسلامی و امین و یار صادق رهبر کبیر انقلاب می دانند و نقش وی را در تصمیم گیری های حیاتی

نظام جمهوری اسلامی مهم و اثرگذار می شمارند، هنوز آن گونه که باید، وی را نشناخته اند.

آن فرزند برومند امام خمینی رحمه الله انسانی بافراست، دانشور، خردمند، سیاستمدار، باتدبیر و خیرخواه بود و مهم ترین دغدغه خود را انقلاب و نگهبانی از منظومه فکری، سیاسی و ارزشی امام خمینی رحمه الله می دانست. او این ویژگی ها را با صفا و زهد و ساده زیستی همراه می ساخت.

سید احمد با هوش سرشار و سرعت انتقال شگفت، مطالب و مباحث را به خوبی تجزیه و تحلیل می کرد و اگر با دقت های موشکافانه به نتیجه ای مطلوب نمی رسید، تصمیمی نمی گرفت. همچنین به عنوان کسی که در مقاطع گوناگون نهضت در کنار امام بود، دیدگاه هایش در مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی کارساز بود. شخصیت وی در انواع بحران ها و گرفتاری ها ثابت و مستحکم بود و از میان سخنان مطرح درباره اوضاع کشور، با جمع بندی دیدگاه ها و بررسی وقایع و حوادث، واقعیت را به امام می رساند. امام نیز با بصیرت ژرف، در صورت پذیرش نظرها اقدام می کرد. سید احمد رسالت خویش را این مهم می دانست که در هر موضوعی تحقیق و تفحص کند و نتیجه را درست به امام گزارش دهد.

حال اگر امام به دلایلی آن موضوع را نمی پذیرفت، عقیده سید احمد این بود رهبری، بهتر و فراتر از ما می فهمد و ما باید پیرو ایشان باشیم و این ویژگی، والایی فکر و هدف او را نشان می داد. البته در عرصه عمل، این کار ساده ای نیست که آدمی از تمامی افکار شخصی اش چشم بپوشد و فداکارانه نظری مغایر یا برتر از اندیشه های خود را بپذیرد.

احمـد فـدایی امام بود و اشتیاق او به رهبری را این سـخن تأیید می کند که امام بارها به فرزند بزرگ سـید احمد یادآوری می کرد: «باید پدرداری را از پدرت بیاموزی.» بدین ترتیب، از رفتارها صادقانه احمد تجلیل می کرد.

تلاش گسترده احمـد برای حفاظت از جان امام و ناامنی های بعد از پیروزی نهضت و در جریان ترورهای ضد انقلاب و توطئه منافقـان چنان موفقیت آمیز بود که هیـچ حرکت نفوذی و نقشه حیله گرانه در دفتر و بیت امام صورت نگرفت. وی برای حفظ سلامتی امـام، مثل همیشه با تیزهوشـی، آینـده نگری و واقع بینی برخورد می کرد. احـداث بیمارسـتان «بقیهالله جماران» از آن جمله بود، مرکز درمانی بسیار مجهزی که در روزهای عادی مردم از آن استفاده می کردند و در مواقع اضطراری که حال امام خمینی رحمه الله مساعد نبود، آن رهبر عزیز در آن بستری می شد.

سیـد احمـد پیمان همراهی با امام را در حرف و عمل به اثبات رسانید، در ماجرای عزل قائم مقام رهبری او نخستین کسـی بود که اعتبار خویش را بر کف نهاد و فداکارانه وارد میدان دفاع از موضع امام شد. وی با نوشـتن رنج نامه ای با محتوایی مستند و مسـتدل سـکوت مصـلحت اندیشانه را شـکست و ثابت نمود در اعتقادش به درستی راه امام، تا چه اندازه پا برجاست و حاضـر نیست به دلیل آزردگی برخی افراد یا نوع برداشت های موافق و مخالف، دست از حمایت امام بردارد.

ایشان در انتساب امور و مسائل به امام دقیق و امانت دار بود و تأکید داشت عین فرموده های رهبری را بدون هیچ گونه تصرف و برداشت، بازتـاب کننـد. به هنگـام شـکل گیری مؤسـسه تنظیم و نشـر آثار امام خمینی هم هشـدار داد: «نبایـد آثار و افکار و دیدگاه های امام تحت تأثیر گرایش های گروهی و

جناحی و فضاهای کاذب سیاسی و اجتماعی و برخی بی تقوایی ها منتشر شود.» وی رضایت نمی داد سلیقه های اشخاص در هنگام نشر اندیشه های رهبری اعمال شود. اصرار داشت در این حرکت، صداقت و اخلاص، اصل خدشه ناپذیر باشد.

حاج سید احمد به دلیل تیزبینی ذاتی و حضور فعال در صحنه های سیاسی و مبارزاتی، درک بالایی از مسائل گوناگون ایران و جهان داشت و به عنوان یکی از استوانه های نظام و صاحب نظری آگاه در کنار بنیان گذار جمهوری اسلامی در تبیین خط مشی ها نقش تعیین کننده ای داشت.

بعد از ارتحال امام خمینی رحمه الله آنچه که بیش از همه موجب عزت و سربلندی او و شناخت افزون تر دیگران از وی شد، همان اتخاذ مواضع اصولی و سریع در دفاع از مقام ولایت بود. صداقت و فراست او در اینکه کشور دچار خلاء رهبری نگردد، بسیار مؤثر بود. هنگامی که حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نظام امور را در اختیار گرفت، آن چنان صادقانه و با صراحت از ایشان دفاع کرد که برخی افراد را که هوس های دیگری در ذهن خود پرورش می دادند، خاموش ساخت. او در میان امواج وسوسه برانگیز و همراه با فتنه و حیله گری برخی افراد، ثابت و استوار ایستاد و با قاطعیت از مواضع اصولی و بر حق مقام معظم رهبری پشتیبانی کرد.

نگارنده در این نوشتار فرازهایی از زندگی، اخلاق و مبارزات این انسان وارسته و فداکار را از نظر خوانندگان گذرانیده است، امید داریم که سودمند و کارگشا باشد.

غلامرضا گلی زواره

فصل اول: خاندان، خانواده و ایام شکوفایی

اشاره

فصل اول: خاندان، خانواده و ایام شکوفایی

زیر فصل ها

نیاکان نیکوروش

تولد و دوران کودکی و نوجوانی

نیاکان نیکوروش

نیاکان نیکوروش

اجداد پدری و مادری سید احمد از مشاهیر شیعه، مدافعان ارزش‌های اسلامی و مبارزان با استکبار و ستم بوده‌اند. جد وی سید دین علی از عالمان نیشابور بود که برای گسترش فرهنگ اسلامی به کشمیر رفت.

سید احمد موسوی، فرزند سید دین علی در نیمه قرن سیزدهم از کشمیر به عراق رفت و در کربلا۔ با یوسف‌خان، از اهالی آبادی فرفهان، از توابع شهرستان خمین آشنا و راهی منطقه کمره (خمین) شد.

سید احمد در ۱۲۵۷ ه_ .ق با سکینه خانم، خواهر یوسف‌خان ازدواج کرد. حاصل این پیوند پاک، سه دختر و یک پسر به نام مصطفی بود. این فرزند در هشت سالگی پدرش را از دست داد. او تحصیلات حوزوی را در وطن، اصفهان، و نجف تا آنجا ادامه داد که به درجه اجتهاد رسید.

سید مصطفی با دختر استادش، میرزا احمد خوانساری ازدواج کرد. سه دختر و سه پسر به نام‌های سید مرتضی پسندیده، سید روح الله موسوی خمینی و سید نورالدین موسوی حاصل این ازدواج بود.

در خمین عده‌ای از خان‌ها و اشرار محلی ضمن آنکه حق ستم‌دیدگان و انسان‌های زحمت‌کش را پایمال و به آنان ستم می‌کردند، بر اثر رقابت

شدیدی که با یکدیگر داشتند، امنیت و آرامش اهالی را سلب می کردند. کارگزاران محلی یا نمی‌خواستند یا اینکه نمی‌توانستند این آشفتگی‌ها را سرکوب کنند. سید مصطفی که بر انجام امور شرعی و مسائل اجتماعی مردم نظارت داشت و از شجاعت و صلابت و نفوذ اجتماعی برخوردار بود، چنین وضعی را برنتابید و با زورگویان مبارزه کرد. آنان نمی‌توانستند اعتراض، افشاگری و پایداری آن سید پارسا را تحمل کنند. ازاین رو، نقشه حذف او را از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی کشیدند و در ذیقعده سال ۱۳۲۰ قمری، زمانی که امام خمینی رحمه الله کودکی پنج ماهه بود، وی را به شهادت رساندند.(۱)

نسب سید احمد، از طریق مادرش به شخصیت‌های نامدار در عرصه‌های علمی، فقهی، ادبی و سیاسی می‌رسد. حاج ملاهادی نوری، فرزندی به نام حاج محمدعلی داشت که به دلیل توانایی‌های درونی و اشتیاق فراوان به آموزه‌های معنوی، در مسیر حکمت و معرفت گام نهاد و در علوم نقلی و عقلی به مقاماتی والا رسید و تحسین استادانش را برانگیخت. فرزندش میرزا ابوالقاسم، راه پدر را در پیش گرفت و پس از دانش اندوزی نزد عالمان اصفهان و نجف و رسیدن به درجه اجتهاد و تأیید این مقام علمی از سوی شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۲۷۷ قمری، با کوله باری از دانش و تقوا به ایران بازگشت و در تهران مرجع عموم شیعیان شد و به تدریس و تربیت طلاب فاضل پرداخت و از نفوذ اجتماعی و صلابت معنوی برخوردار گشت. از میرزا ابوالقاسم، آثاری در زمینه فقه و اصول به یادگار ماند. او در پایان قرن سیزدهم هجری درگذشت و پیکرش در کنار بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی و در مقبره ابوالفتوح رازی، به خاک سپرده شد.

۱- داود نعیمی، افتخار آفرینان استان مرکزی، ج ۳، صص ۳۳۸ _ ۳۴۱؛ سید مرتضی پسندیده، خاطرات، به کوشش: محمدجواد مرادی‌نیا، صص ۸ و ۹؛ سید علی قادری، خمینی روح الله، ج ۱، صص ۷۸ _ ۸۰.

میرزا ابوالفضل تهرانی، فرزند فاضل او و از ادیبان عصر خویش به شمار می‌آمد. وی در سامرا، از میرزای شیرازی و در نجف، از درس میرزا حبیب الله رشتی بهره‌ها برد و پس از رسیدن به قله فقاهت به سال ۱۳۰۹ قمری، به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار جدید، به تدریس پرداخت. ایشان آثار ارزشمندی در فقه، اصول، کلام و ادبیات دارد. متأسفانه این دانشور وارسته، در صفر سال ۱۳۱۶ قمری، به گونه مشکوکی درگذشت.(۱)

حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی، فرزند میرزا ابوالفضل، بعد از سپری کردن دوران کودکی، مقدمات و سطوح فقه و اصول را در حوزه تهران فرا گرفت و در قم به تحصیلات ادامه داد و در خارج فقه و اصول از درس آقایان شیخ محمدرضا مسجد شاهی و حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره برد.

هم‌زمان بخش‌هایی از اسفار اربعه و منظومه سبزواری را نزد حکیم میرزاابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت. او پس از هفت سال اقامت در قم، در سال ۱۳۴۸ قمری به تهران بازگشت و در مدرسه عالی شهید مطهری به تدریس، تبلیغ و اقامه جماعت پرداخت. وی آثار تألیفی بسیاری در زمینه علوم و آموزه‌های اسلامی دارد که مشهورترین آن، مجموعه پنج جلدی تفسیر «روان جاوید» است. او به شعر نیز علاقه داشت و در دیوان اشعارش مدایح و مراثی اهل بیت و نکات اخلاقی و عرفانی، جایگاه ویژه‌ای دارد. بانو خدیجه ثقفی، معروف به قدس ایران که دختر این دانشور گران‌مایه است، به عقد امام خمینی رحمه الله درآمد. دومین فرزند پسر این زوج، سید احمد خمینی است.(۲)

۱- نک: جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۴، صص ۲۴۸ _ ۲۵۵.

۲- جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۴، صص ۵۲۳ _ ۵۲۵؛ حمیدرضا ستوده، پا به پای آفتاب، ص ۴۶؛ غلامرضا گلی زواره، سرای اهل صفا، ص ۱۰۰.

تولد و دوران کودکی و نوجوانی

تولد و دوران کودکی و نوجوانی

در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ خورشیدی مصادف با ۱۵ شوال ۱۴۱۵ قمری، کودکی دیده به جهان گشود که نخستین صدایی که در گوش این نهال نورسته طنین افکند، آوای ملکوتی اذان و اقامه بود که از زبان روح الله بر روانش جاری شد. نام احمد را بر او برگزیدند. احمد، نور چشم امام بود و محمود تمام کسانی که دل به امام خمینی سپرده بودند.(۱) مادرش، بانو قدس ایران، درباره ولادتش گفته است:

در آن زمان منزل ما، در پارک اتابکی بود که اکنون جزو مدرسه حجتیه است. احمد آقا در این خانه به دنیا آمد. چهار ماهه بود که به منزل جدید، در یخچال قاضی رفتیم و آن را اجاره کردیم و احمد آقا در این منزل که بعدها بیرونی امام گردید، بزرگ شدند. در دوران کودکی آرام و سرگرم کار و بازی خود بود، در کوچه بازی می‌کرد، به خصوص که کوچه ما هم بن بست بود و هم در ته آن باغ قلعه قرار داشت و جای خوبی برای بچه‌های همسایه بود.(۲)

احمد در دوره کودکی بسیار پر جنب و جوش و کنجکاو بود، گویی در پی گمشده‌ای است که هر چه می‌گردد، آن را کمتر می‌یابد. او برای اینکه قدری از انرژی درونی را تخلیه کند، به ورزش روی آورد. وی در این باره گفته است:

در سنین کودکی و نوجوانی علاقه عجیبی به ورزش داشتم. ورزش بهترین وسیله کنترل و هدایت صحیح انرژی متراکم دوران نوجوانی است. از همان بچگی توپی را که برایم خریده بودند، در بغل می‌گرفتم و حتی در شب‌های سرد زمستان، آن را از خود جدا نمی‌کردم و زیر کرسی، کنار خودم نگه می‌داشتم.(۳)

۱- «احمد امام محمود امت»، مجله پیام زن، ش ۱۲۰؛ علی بری دیزجی، روزها و رویدادها، ص ۵۷۳.

۲- فصلنامه حضور، ش ۱۴، ص ۵۲؛ پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۰۸؛ «گفت و گو با همسر امام»، فصلنامه ندا، ش ۱.

۳- شاهد یاران، سال سوم، فروردین ۱۳۸۶، ش ۱۷، ص ۷؛ روزنامه اطلاعات (ویژه‌نامه هفتمین سالگرد درگذشت حاج سید احمد خمینی)، ۲۳/۱۲/۱۳۸۰، ص ۱.

در چنین ایامی که احمد بهار کودکی و نوجوانی را با شور و شوق سپری می کرد، پدرش بر کرسی فلسفه نشسته و بر اریکه فقه و اصول تکیه زده بود. درس اخلاق می‌داد و از عرفان حماسی و حماسه‌های عرفانی سخن می گفت. به گواهی شاگردانش، پیش از بیان درس‌های اخلاق، فضیلت‌ها را در وجود خویش به شکوفایی رسانده بود و در چنین حضوری، در پرتو اشراق معنوی، احمد سایه آن آفتاب معرفت می گردید. «سید حسن خمینی، فرزند سید احمد گفته است: پدرم می گفت: کوچک بودم، آن قدر که توان خواندن نداشتم و امام مرا در کنار خویش می‌نشانید و خود، مشغول خواندن بود و من با کتاب‌های او بازی می کردم. در چنین گستره‌ای است که احمد از آن فروغ فروزان روشنی می گیرد و دل و جان خویش را به چنین پرتوی درخشان می کند و آنچه را از زبان امام جاری می‌شود، در رفتارش مشاهده می گردد و بر جبین او نقش می بندد».(۱)

احمد در هفت سالگی به مدرسه اوحدی رفت. او دوره دبستان و دبیرستان را در قم گذرانید.(۲)

۱- مجموعه آثار یادگار امام، صص ۱۹ و ۲۰.

۲- دلیل آفتاب (خاطرات یادگار امام)، صص ۱ و ۲.

فصل دوم: در عرصه‌های سیاسی و مبارزاتی

اشاره

فصل دوم: در عرصه‌های سیاسی و مبارزاتی

زیر فصل ها

آغاز مبارزه

نظارت بر کانون نهضت

حلقه وصل بین امام و مبارزان

مهاجرتی دیگر

چهارمین سفر به عتبات عراق

به سوی پاریس

آغاز مبارزه

آغاز مبارزه

هنگامی که قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ خورشیدی روی داد، سید احمد در کلاس چهارم دبیرستان درس می‌خواند. در این زمان، او فریادهای حق‌طلبانه امام و آشفتگی رژیم پهلوی و دستگیری پدر را دید و دیوارهای خونین شهر قم را به نظاره نشست و حادثه‌های تلخ و شیرین ماه‌های پس از قیام را ارزیابی کرد. این رویدادها، تجربه‌های ارزشمندی بودند که احمد را برای گزینش نهایی و دشوارش، در تعیین مسیر آینده زندگی راهنمایی می‌کرد.

موقعی که امام خمینی رحمه الله دوره حبس و حصر را در تهران می‌گذرانید، سید مصطفی ــ فرزند دیگر ایشان که چهره‌ای برجسته و فرزانه‌ای اندیشمند در حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد ــ اداره امور بیت و دفتر امام را در قم عهده‌دار بود. چنین برنامه‌ای برای برادرِ مصطفی، یعنی احمد، فرصت مناسبی پدید آورد تا او در حساس‌ترین دوره زندگی خویش، به ارزیابی توانایی‌های فکری و روحی خود بپردازد. ناگفته نماند، احمد در خانه‌ای به شکوفایی رسید که جنبش اسلامی، با هدایت پدر خانواده شکل گرفت و این ویژگی، او را درگیر مسائل مبارزاتی کرد. او حتی در دوره نوجوانی که گروهی از علاقه‌مندان به مناسبت‌های مذهبی و به ویژه جشن‌های مذهبی، به زیارت امام می‌آمدند و خانه خدمتکاری نداشت، از افراد تازه وارد پذیرایی

می کرد و همین خدمات، سبب آشنایی احمد با دوستان، شاگردان و افراد مبارز شد.(۱)

موضع گیری امام علیه کاپیتولاسیون، خشم مستبدان و مستکبران را برانگیخت. نطق تاریخی آن روح قدسی در چهارم آبان سال ۱۳۴۳ خورشیدی، که چند ماهی پس از آزادی ایشان از حبس صورت گرفت و ضمن آن، خیانت‌های رژیم استبدادی و جنایت‌های امریکا را افشا کرد و حق قضاوت کنسولی را یک نوع اسارت خطرناک برای جامعه ایرانی پنداشت، سبب شد در سحرگاه سیزدهم آبان، با خانواده دیداری تازه کند. هجرت به عراق کار دشواری بود؛ زیرا عوامل رژیم شاه، طرفداران جنبش اسلامی را زیر نظر داشتند و این مراقبت‌ها، برای فرزند رهبر قیام شدیدتر بود. سپهبد نصیری، در بخش‌نامه ای، خطاب به شهربانی کل کشور خواسته بود که اگر احمد خمینی تقاضای صدور یا تمدید گذرنامه و پروانه خروج از ایران کرد، قبل از هر گونه اقدام، مراتب به این سازمان (ساواک) اعلام گردد. برخلاف این کنترل‌های ساواک، احمد آقا موفق گردید به همراه یکی از دوستانش از طریق مرز خسروی، راهی عراق شود.(۲) سید احمد در این باره نوشته است:

آمدم تهران و تیم شاهین دعوتم کرد. راستش خواستم به وسیله آن تیم از ایران خارج شوم و بعد برنگردم. چون در این مسئله شکست خوردم. آن وقت خودم دست به کار شدم و یواشکی روانه عراق شدم.(۳)

بر اساس مدارک سازمان اطلاعات و امنیت ایران، ساواک در برابر فراست و درایت فرزند امام سردرگم شده بود. در ایام اقامت کوتاه مدت

۱- خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، به کوشش: محمدرضا احمدی، ص ۱۱۳.

۲- رحیم نیکبخت، «آشنای غریب»، روزنامه اطلاعات، (ویژه‌نامه یادگار آفتاب)، ۲۵/ ۱۲/ ۱۳۷۹، ش ۲۲۱۵۶، ص ۱۴.

۳- «مصاحبه با حاج سید احمد خمینی»، روزنامه اطلاعات، ۷/۲/۱۳۶۱.

احمـد در نجف اشـرف، او با خانواده اش دیـدار کرد و از اوضاع ایران گفت و از محضـر پدر و برادرش، برای فراگیری فقه و اصول، بهره برد و پنج ماه بعد، بنا به سـفارش امام، برای انجام رسالتی جدید به ایران بازگشت، ولی عوامل امنیتی رژیم پهلوی او را در مرز خسروی بازداشت کردند و به اداره ساواک بردند.

بر اسـاس اسـناد سـاواک، او در بـازجویی‌هـا، مأموران را فریب داد و هـویتش در مرز شـناخته نشـد و پس از آزادی، از طریق کرمانشاه، همدان و اراک راهی قم گردید.(۱) سپس به منظور دیدار با آیت‌الله اشراقی، به محل اقامت وی در همدان رفت. در تلفنگرام فوری ساواک همدان آمده است:

روز گذشـته، سید احمد خمینی از عراق وارد و در منزل شهاب‌الدین اشراقی سکونت اختیار نموده است. ساواکِ مرکز پس از دریـافت این خبر، سازمـان امنیت قم را موظف نمود از مورد اشـاره مراقبت افزون‌تری به عمـل آیـد و اعمـالش دقیقاً تحت نظر باشـد و هـدف وی از آمـدن به ایران روشن گردد. متعاقب این گزارش و دسـتورات بعـدی، ساواک قم مراقبت از منزل امام و رفتارهای احمد را افزایش داد.(۲)

هنگامی که حاج سید احمد، در تابستان ۱۳۴۶ از نجف به قم آمـد، گروهی از عالمان خمین، بی‌درنگ برای دیدار با ایشان و کسب آگاهی از احوال امام به قم آمدند. شـیخ حسـین آل طاهر، شـیخ محمد حبیب اللهی، شیخ احمد فریدونی و شیخ صادق آل طاهر در پنجم شهریور ۱۳۴۶، در بیت امام با احمد آقا دیدار و گفت‌وگو کردند که این دیدار، از دید

۱- خبرگان ملت، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲- حمید انصاری، مهاجر قبیله ایمان، صص ۲۸ و ۲۹.

مأموران ساواک دور نماند و گزارش آن برای سازمان امنیت مرکزی ارسال شد.(۱)

سید احمد، گزارش چگونگی بازگشت خود به ایران را در نامه‌ای خطاب به شیخ نصرالله خلخالی، ساکن در نجف، نوشت و برای او فرستاد که این مکتوب به دست ساواک افتاد.(۲)

سید احمد وقتی به ایران آمد، ضمن پیگیری تحصیلات علوم دینی، با خانواده‌های زندانیان سیاسی و تبعیدی‌ها دیدار کرد و سفارش‌ها، پیام‌ها و تأکیدهای امام خمینی را به منسوبان، افراد مبارز و نمایندگان شرعی در ایران، منتقل کرد. در حین نظارت بر امور بیت پدر در قم، در پایان سال ۱۳۴۵، دوباره مخفیانه از طریق خرمشهر به آن سوی مرز رفت و عازم عراق شد و بعد از یک هفته با رعایت مخفی‌کاری، خود را به نجف اشرف رساند و ضمن گوش دادن به سفارش‌های امام خمینی، از فرصت به دست آمده بهره گرفت و از محضر پدر و برادر بزرگ‌تر و برخی استادان حوزه نجف در فقه و اصول استفاده کرد و در همین سفر، لباس روحانیت را بر تن کرد و عمامه را بر سر نهاد. او با این توانایی‌ها و مهارت‌ها و تجربه های سودمند، دیگر بیش از گذشته می‌توانست رابط رهبری انقلاب با مبارزان مسلمان در کانون قیام، یعنی ایران باشد. ازاین رو، با ره توشه‌هایی برآمده از پیام‌های ارزشمند امام، تصمیم گرفت به ایران برگردد، اما این بار به هنگام عبور از مرز، در هشتم تیر ۱۳۴۶ خورشیدی دستگیر و در اداره ساواک شهر قصر شیرین شناسایی و به تهران منتقل و در زندان قزل قلعه زندانی شد. در بازجویی از احمد، ساواک اطلاعات مورد نظر را به دست نیاورد. به همین دلیل، دو تن از مأموران امنیتی ساواک برای آنکه

۱- محمدجواد مرادی نیا، خمین در انقلاب، ص ۷۷.

۲- مهاجر قبیله ایمان، صص ۳۳ و ۳۴.

ضعف‌های خود را بروز ندهند، در تحلیل‌ها و گزارش‌های خود درباره فعالیت‌های سید احمد خمینی، دچار تناقض‌گویی شدند.(۱)

شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی، به دستگیری و زندانی شدن فرزند امام اعتراض کرد. او در همدان، رژیم پهلوی و ساواک را از این بابت سرزنش کرد. این در حالی بود که وی را از منبر رفتن و ایراد سخنرانی منع کرده بودند و در اواخر تیر ۱۳۴۶، به دعوت مرحوم شیخ احمد رحمانی به این منطقه آمده بود که در آنجا مواضع خویش را علیه دستگاه ستم مطرح و این واعظ وارسته هم اظهاراتش را تأیید کرد.(۲)

نظارت بر کانون نهضت

نظارت بر کانون نهضت

در سال ۱۳۴۶ خورشیدی، ساواک به خانه امام در قم یورش برد و تمام کتاب‌ها و اوراق و اسناد تاریخی را که در خانه ایشان نگهداری می‌شد، ضبط و از خانه خارج کرد. در آن روز از سید احمد و نیز حجج اسلام شیخ علی اکبر اسلامی و حاج شیخ حسن صانعی که توسط مأموران دستگیر و به اداره ساواک انتقال یافته بودند، خواسته شد، بیت امام را که محل اجتماع مبارزان بود تعطیل کنند و به کسی اجازه ورود ندهند. حاج احمد آقا با این خواسته مخالفت کرد و گفت: غیر از امام هیچ کس حق چنین کاری ندارد و اگر ما دست به اقدام نزنیم، مورد مؤاخذه قرار می‌گیریم. ساواک که موفق به تعطیل کردن دفتر امام نشد، خود، کنترلش را به عهده و رفت و آمدها را تحت نظر گرفت. در این مدت، با وجود تنگناهای فرساینده، با نظارت حاج سید احمد امور بیت انجام می شد. در این روزها، بیش از ده بار فرزند امام را دستگیر

۱- نک. مهاجر قبیله ایمان، صص ۳۴ و ۵۴؛ نک: خبرگان ملت، ج ۲، صص ۲۴۹ _ ۲۵۲.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید آیت‌الله مدنی)، ص ۱۲۷.

کردنـد و به ساواک بردنـد تا به تعطیلی بیت اقدام کنند، ولی بر اثر مقاومت او نتیجه‌ای نگرفتند. حتی یک روز مأموران مخفی ساواک بین راه به ایشان یورش آوردند و چنان او را زدند که سید احمد بیهوش شد.(۱)

حاج سید احمد در این باره چنین گفته است:

سـالی که معمم از نجف برگشـتم، دو ـ سه ماهی زنـدان بودم. دولت و ساواک روی منزل امام در قم خیلی حساب می‌کرد و تمام تلاشـش این بود که این منزل را کنترل کند. مدتی هم رفت و آمد را ممنوع کرده بودند و شـبانه روز در منزل مأمور بود. چنـدین بار با اینکه امام نجف بودند، ریختند و تمام کتاب‌های ایشان را بردند که هنوز اکثر آنها به دست ما نرسـیده است. در یکی از کوچه‌های قم، به نام کوچه باغ، چند نفر آمدند که ما از مقامات امنیتی هستیم و باید به ساواک بیایی. (در مورد بسـتن درِ بیت امام) حرفم همان بود که همیشه بود. گفتم باید از پدرم اجازه بگیرم، که ریختند به جانم و کتک مفصلی به من زدند؛ به صورتی که بیهوش شـدم. وقتی به هوش آمـدم، مردم دورم جمع شده بودند و کتاب‌هایم را که هر ورقش یک طرف افتاده بود، جمع کردند و دادند دستم.(۲)

سـاواک به این نتیجه رسـید که بازداشت فرزنـد برومنـد امام و فشارهای سیاسـی بر وی بی‌فایـده است و ضـمن آزادی وی، از نظارت‌ها، مراقبت‌ها و مزاحمت‌های همیشگی دست برمی‌دارد و حتی به وی گفتند می‌تواند گذرنامه بگیرد و بدون سر و صدا از ایران برود و در نجف سـاکن شود. بر اسـاس تصور سازمـان امنیت شـاه، بـا این کـار ارتبـاط وی با مبارزان قطع و رفته رفته، پایگـاه رهبر جنبش در قم تعطیـل می‌شود. افزون بر این، افرادی که به ماجرای حبس فرزنـد امام معترض بوده‌انـد، خاموش می شوند و ساواک از

۱- کوثر، (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی)، ص۲۲۱.

۲- دلیل آفتاب، ص ۹؛ شاهد یاران، ش ۱۷، ص ۸.

تحریکات مبارزان تا حدودی آسوده خاطر می‌گردد، غافل از آنکه احمد با برنامه‌ریزی و تیزهوشی خدادادی، به ایران آمده است تا در کانون خطر بماند و برای احیای یاد امام در حوزه و تحکیم روابط رهبر قیام با مردم تلاش کند و داغ فراموش کردن حماسه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و نامه امام را بر دل کارگزاران رژیم پهلوی بگذارد. یادگار امام، بیت پدر را فعال و حتی آشکارا مجلس تجلیل از امام، در این خانه برگزار کرد و تلاش‌های هوشمندانه وی ساواک را درمانده ساخت.

«با وجود مراقبت‌های شدید، کنترل تلفن‌ها و گماردن مأموران امنیتی، جلوگیری از تردد مردم و احضار و بازداشت‌های مکرر دست‌اندرکاران بیت امام، این منزل محل ارتباط مبارزان معتقد به امام و مرکز سامان دهی و تنظیم امور شهریه امام در حوزه‌های علمیه بود و این نقش برجسته در تاریخ نهضت امام، پیش از همه مدیون اهتمام، تدبیر، شجاعت و فراست سید احمد خمینی بود».(۱)

«ساواک خیلی تلاش کرد تا تقسیم شهریه امام بین طلاب را تعطیل کند؛ زیرا اجرای این برنامه برخلاف دوری امام از وطن، ارتباط‌های گسترده‌ای بین مقلدان آن حضرت و نیز طلاب و روحانیانی که شهریه را تقسیم یا دریافت می‌کردند، برقرار می‌ساخت. آنان پس از بازرسی منزل رهبر قیام و ممنوع کردن رفت و آمد به بیت وی، دل خوش بودند که با این اقدامات پلیس، پرداخت شهریه مختل شده است، ولی گزارش‌های سال‌های بعد نشان داد که نه تنها این روند به تعطیلی و توقف نگراییده، افزایش هم یافته است. این بار ساواک دست به اقدامی بیهوده‌تر زد که

۱- مهاجر قبیله ایمان، صص ۶۵ و ۶۶.

سال‌ها هم ادامه یافت، به این صورت که دستور شناسایی و بازداشت تمام پرداخت کنندگان وجوه شرعی به امام و کارگزاران جمع‌آوری آن و دستگیری وکلای شرعی، به مراکز امنیتی سراسر کشور ابلاغ شد. غافل از اینکه برای اجرای چنین دستورالعملی باید جمعیت زیادی از مردم بازداشت و روانه زندان شوند».(۱)

حلقه وصل بین امام و مبارزان

حلقه وصل بین امام و مبارزان

«احمد، ضمن تقویت بیت، هماهنگی و سازمان دهی نیروهای انقلابی و ایجاد ارتباط بین آنان و امام، تحصیلات سطوح عالیه را نزد استادان حوزه قم، از جمله آیت‌الله سلطانی طباطبایی ادامه داد و از سال ۱۳۵۱، در درس آیات عظام حاج شیخ مرتضی حائری و حاج سید موسی شبیری زنجانی حاضر شد».(۲)

او از سال ۱۳۵۰، محور تشکیلات مخفی فضلای حوزه علمیه قم را به عهده گرفت و در این روزها تمام اطلاعیه‌ها و پیام‌های حضرت امام را به ایران منتقل و منتشر می‌ساخت.(۳)

وی درباره فعالیت‌های آموزشی و سیاسی‌اش چنین می‌گوید:

سطح را نزد آقایان ابطحی، صادقی، محمد فاضل لنکرانی و آقای سلطانی خواندم و خارج را نزد حضرت آقای موسی زنجانی و آقای حائری، و در نجف هم نزد امام و مرحوم برادرم. درس‌هایی را هم شهید مطهری هفته‌ای دو روز در قم برگزار می‌کرد که من هم شرکت می‌کردم. در مدتی که در قم بودم، مثل سایر طلاب در رساندن اعلامیه‌های امام یا اعلامیه علیه دولت و رژیم سابق، به مردم تلاش می‌کردیم تا کم‌کم به این فکر افتادم که احتیاج به وسایل تکثیر داریم. آمدم پیش آقای هاشمی در تهران. او توسط آقای

۱- مهاجر قبیله ایمان، صص ۸۰ و ۸۱؛ خبرگان ملت، ج ۲، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۲- عباس کاظم پور، «فراق یادگار یار»، نشریه پیام حوزه، ش ۴، ص ۷۱.

۳- عباس کاظم پور، «فراق یادگار یار»، نشریه پیام حوزه، ش ۴، ص ۷۳.

توکلی، یـک دسـتگاه فتوکپی برایمـان تهیه کرد. قبلاً ـ اتـاقی را در منزل یکی از آشـناهایمان اجاره کردیم و آنجا مشـغول کار شـدیم. کم‌کم کارمان وسـعت پیـدا کرد و جایمان تنگ شد. منزلی را در نزدیکی منزل امام در قم خریدیم که دست و پایمان را باز کرد.(۱)

«احمد در همان ایام ازدواج کرد. در یکی از اتاق‌های منزل، دسـتگاه تایپ و تکثیر داشت و به وسـیله آنها، اعلامیه‌های امام را با نهایت دقت و رعایت اسـتتار، تکثیر و توزیع می‌کرد. بخشـی از کارهای مزبور در خانه فاطمه خانمی که مادر رضاعی احمد بود، صورت می گرفت. (۲)

«در واقع او از سـال ۱۳۵۰ خورشـیدی به بعـد، محور و مـدار تشـکیلات مؤثری بود که با همکاری عده‌ای از فضـلای حوزه و دانشـجویان کـار تکـثیر و توزیـع خبرنـامه‌هـا، اطلاـعیه‌هـا و نوارهـا را بـه مناسـبت‌هـای مختلـف بر عهـده داشـتند. تقریبـاً تمـام اعلاـمیه‌هـایی که در آن دوره به نـام روحانیون مبارز داخل کشور و فضـلا و طلاب حوزه قم در ایران منتشـر می‌شـد، از همین مرکز بود. ایجاد ارتباط میان فعالیت‌های مبارزاتی، انقلابی و فکری گروه‌های مبارز دینی خارج از کشور و جریان مبارز داخل ایران نیـاز به تیزهوشـی، ابتکـار و توانمنـدی داشت تـا تشـکیلات موجود و جریـان مبـارز مرتبـط بـا آن، با کمترین آسـیبی در بحرانی‌ترین شرایط، وظایف خود را به انجام برساند که این ویژگی‌ها در سید احمد خمینی بود».(۳)

مهاجرتی دیگر

مهاجرتی دیگر

سید احمد در سال ۱۳۵۲ خورشـیدی، ایران را به سوی مقاصدی مهم ترک کرد: سـفر به حجاز و زیارت خانه خدا، هجرت به عراق و زیات عتبات

۱- شاهد یاران، ش ۱۷، ص ۸.

۲- گنجینه دل، (مجموعه خاطرات یاران در وصف حاج سید احمد خمینی)، ص ۵۶.

۳- روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۵۷۵.

نجف، کربلا، کاظمین و سامرا، دیدار با پدر و دیگر اعضای خانواده و ارائه گزارش فعالیت ها و اوضاع سیاسی اجتماعی ایران به رهبر انقلاب. او مسائل گوناگونی از حوزه‌ها، دروس علمی و ارتباط با مبارزان را با پـدر مطرح و کسب تکلیف کرد و امام هم از مأموریت‌های سال‌های آینـده گفت. در لبنان نیز با امام موسـی صدر دیداری بابرکت داشت و به ارزیابی مسائل شـیعیان لبنان پرداخت و در برخورد با شهید چمران و دیگر مبارزان، پیگیری اهداف و نهضت امام در آن سامان را به بحث گذاشت و مدتی کوتاه در پایگاه نظامی شهید چمران آموزش نظامی دید.(۱)

«سـید احمد در این سـفر با گروه‌های چریکی فلسـطینی هم ارتباط برقرار کرد و با برخی شخصیت ها مثل ابوجهاد و ابو ایاض، که بـا سازمان آزادی بخش فلسـطین مرتبط بودنـد و در آن روزها میان فلسـطینی ها افراد موجهی به شـمار می آمدنـد، دیـدار داشت».(۲)

این سفرهای احمد به اتفاق خانواده‌اش صورت گرفت. همسرش فاطمه طباطبایی در این باره می گوید:

مـوقعی که در لبنـان بـودیم، احمـد آقـا بـا دایی من، امـام موسـی صـدر، دربـاره انقلاـب بسـیار بحث می‌کرد و می‌خواست از تجربه‌هـای مبـارزان آنجا اسـتفاده کنـد. به همین دلیل، از دکتر مصـطفی چمران خواست او را به مناطق جنگی در جنوب لبنان ببرد. او هم چنین کرد و غیر از آموزش‌های رزمی، موجبات ملاقاتش را با بسیاری از رهبران مبارز آن سرزمین فراهم کرد.(۳)

«احمد در اواخر سال ۱۳۵۲ خورشـیدی، این سفرها را به پایان برد و به ایران بازگشت. پیگیری سومین سفر یادگار امام، از نظر مأموران امنیتی رژیم

۱- مهاجر قبیله ایمان، صص ۸۴ و ۸۵.

۲- رحیم نیک بخت، آشنای غریب، ص ۱۴؛ خبرگان ملت، ص ۲۵۹.

۳- شاهد یاران، ص ۶۹.

پهلوی دور نبود، ولی در مقابل فراست‌های فرزند امام، این مراقبت‌ها و تعقیب‌های ساواک بی‌نتیجه بوده است».(۱)

سید احمد، پس از بازگشت از این سفرهای سیاسی، در جلسه‌های نیروهای مبارز و فعالان نهضت اسلامی، همچون محفل سیاسی خانه شهید آیت الله سید محمدرضا سعیدی، مجمع واعظان انقلابی تهران و هیئت‌های مذهبی و مبارز تهران حضور یافت.

در پی دستگیری برخی روحانیان انقلابی که با سید احمد در ارتباط بودند، شرایط برای ادامه اقامت احمد در ایران ناامن و آشفته شد. ازاین رو، تصمیم گرفت به پاکستان برود.

وی در این باره می گوید:

آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها (همکار سید احمد در تکثیر اعلامیه‌ها و ارتباط با انقلابیان) دستگیر شد و توسط همسرشان به من خبر دادند که زودتر ایران را ترک کنم.

مدت پانزده روز رفتم پاکستان و بلافاصله با شهید محمد منتظری تماس گرفتم، آمد مرز ایران و پاکستان. این دو هفته ای که در پاکستان بودم، تجربه هایی کسب کردم.(۲)

در این سفر، احمد موفق شد اعلامیه‌هایی را به دست مسلمانان پاکستان برساند.(۳) ساواک که دید از راه بازداشت‌ها و مراقبت‌های ویژه نمی تواند فعالیت های سیاسی و مبارزاتی سید احمد و یارانش را مهار کند و کاهش دهد، تصمیم گرفت برای بدنام کردن یادگار امام، نقشه بریزد. ماجرا از این قرار بود که نیروهای امنیتی وابسته به ساواک، درصدد بودند وی را به منزلی

۱- درباره اسناد ساواک نک: مهاجر قبیله ایمان، صص ۸۶ _ ۸۸.

۲- شاهد یاران، صص ۸ و ۹.

۳- گروهی از نویسندگان، گنجینه دل.

بکشانـد و در آنجـا همراه با زنی با سابقه منفی عکس بگیرنـد. خوشـبختانه آن شخصـی که بنا بود ساواک توسط او این نقشـه شوم را به اجرا بگـذارد، نظر به احترامی که برای امام و فرزنـدش قائل بود، ماجرا را مخفیانه به آگاهی سـید احمد می رساند و دسیسه رژیم نقش برآب می شود.(۱)

در این ایام، حاج سید احمد با حضرت آیت الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، ارتباط برقرار کرد و اعلامیه هایی را که از نجف می آمد، لای جلد کتاب جاسازی و آن را صـحافی می کرد و برای ایشان می فرسـتاد. یک بار حاج سید احمد تصمیم گرفت کتاب در خـدمت و خیانت روشـنفکران، به قلم جلال آل احمـد را منتشـر کنـد. رژیم پهلوی اجازه چاپ آن را نمی داد. برای اینکه احمـد اطمینان یابد این تلاش فرهنگی از نظر ارزش های دینی مشـکلی ندارد، با آیت الله خامنه ای تماس گرفت و حتی در مشهد به دیدار ایشان رفت و آن عالم مبارز را در جریان فعالیت های خود قرار داد.(۲)

چهارمین سفر به عتبات عراق

چهارمین سفر به عتبات عراق

«سال ۱۳۵۶ فرا رسـیده است. در این موقع رابطه رهبری انقلاـب بـا حوزه هـای علمیه و نیروهـای انقلابی گسترش یافته است و وضع مطلوب و شایسـته‌ای دارد. شـبکه ارتباط روحانیان و مبارزان با نهضت امام در سطح کشور، به همت فرزند مجاهد امام و یاران فداکار رهبری انقلاب تنظیم شده است. سـید احمد درس خارج و فقه و اصول را از محضـر استادان برجسته حوزه قم فرا گرفته و ضرورت دارد، در نجف تحصیلات خود را تکمیل کند و پاسخ

۱- گنجینه دل، خاطرات آیت الله توسلی، ص ۲۲۳؛ «خاطراتی منتشر نشده از یادگار امام»، فصلنامه ۱۵ خرداد، بهار ۱۳۷۷، ش ۱۸، صص ۷۰ و ۷۱.

۲- شاهد یاران، صص ۴ و ۹.

پرسش های علمی خود را در آنجا، از امام و دیگر بزرگان حوزه این شهر دریافت کند. ابعاد جهانی انقلاب اسلامی و گسترش و نفوذ نهضت به دیگر سرزمین ها نیز مطرح است و باید در این زمینه نیز فکری کرد. در داخل ایران، هم رزمان سید احمد یا از نظارت های ساواک دور نیستند یا در بازداشت، حبس و تبعید به سر می برند. به دلیل همین شرایط ویژه و تنگناهایی که دستگاه های امنیتی ایجاد کرده بود، یادگار امام، ایران را به قصد اقامت در نجف و با هدف پیوستن به خانواده، ترک کرد و در درس خارج والد بزرگوار و دیگر مشاهیر نجف حاضر شد».(۱)

«این سفر در تیر ۱۳۵۶، و به همراه همسر و فرزندان وی صورت گرفت. در همان ما ههای اولیه ورود به نجف، همراه برادرش حاج سید مصطفی خمینی به قصد انجام حج عمره از عراق خارج شد. ابتدا به دمشق و سپس به بیروت آمد و مانند بار قبل با شهید چمران دیدار داشت. دکتر چمران طی گفت‌وگوهایی از مبارزات بر حق شیعیان و اوضاع دشوار آنان و اقدام های مهم امام موسی صدر و سازمان چریکی «اَمَل» گزارشی ارائه داد و سید احمد را به جنوب لبنان برد تا از نزدیک وضع جنگ زده ها را ببیند که او بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بود».(۲)

«سید مصطفی و برادر وی به عراق بازگشتند. نماینده ساواک در عراق از مذاکرات حاج سید احمد با گروهی از همفکران خود در نجف گزارشی تهیه کرده و به تهران ارسال کرده است. در بخشی از این سند، به اظهارات خصوصی حاج سید احمد اشاره و از قول او گفته شده است:

۱- پیام حوزه، ش ۴، ص ۷۱؛ خبرگان ملت، ج ۲، صص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲- جلال الدین فارسی، زوایای تاریک، ص ۳۹۲؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، (شهید دکتر چمران)، ص ۳۲۶؛ «آشنای غریب»، ویژه نامه یادگار آفتاب، ص ۱۴.

سید احمد ضمن ابراز ناراحتی از فاش شدن روابط وی با گروه های چریکی، از اینکه توانسته قبل از گرفتار شدن، از ایران خارج شود، اظهار خرسندی می کرد».(۱)

«در اول آبان سال ۱۳۵۶ خورشیدی، شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی در نجف اشرف، برای برادرش سید احمد ضایعه‌ای بسیار ناگوار بود. این ابتلای خطیر که به فرمایش امام خمینی از الطاف خفیه الهی بود و آغازگر خیزش های گسترده سیاسی در سراسر ایران شد، با اوج گرفتن نهضت بعد از شهادت این فقیه فرزانه و مفسر نامدار بیت و دفتر امام خمینی در نجف اشرف، با بهره‌مندی از تجربه های ارزشمند حاج سید احمد در سامان دهی ارتباط ها و مدیریت منزل امام در قم، به سرعت به کانونی مطمئن برای پاسخ گویی به نیازهای ارتباطی نهضت و رهبری آن تبدیل شد. احمد در آن ایام سرنوشت‌ساز توانست خلأـ وجود پرثمر برادرش را در کنار پدر پر کند. این در حالی بود که تماس ها و فعالیت های یادگار امام در نجف تحت فشار سیاسی و کنترل های همیشگی ساواک و مأموران امنیتی سفارت رژیم پهلوی در بغداد قرار داشت. علاوه بر اینها، سازمان امنیت عراق با همکاری ساواک ایران، مأمورانی ویژه برای کنترل ارتباطات یادگار امام گمارده بود».(۲)

به سوی پاریس

به سوی پاریس

«دو رژیم ایران و عراق که بر سر برخی مسائل مرزی و سیاسی با هم اختلاف داشتند، در کنفرانس الجزیره با هم آشتی کردند. بعد از این، حزب بعث که بر عراق حاکم بود، امام را در تنگنایی شدید قرار داد و محل

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۲- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۰؛ مهاجر قبیله ایمان، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

سکونت رهبر انقلاب، در مهر ۱۳۵۷ محاصره شد و به نزدیک ترین یاران امام اجازه ورود ندادند. ازاین رو، امام در تاریخ ده مهر همین سال، به اتفاق حاج سید احمد و چند نفر دیگر به سوی کویت عزیمت کردند و چون دولت این کشور موانعی به وجود آورد، مسافران ناگزیر شدند به عراق برگردند و در بصره به طور موقت اقامت اختیار کنند. بعد از نماز صبح، یادگار امام از تصمیم پدر جویا شد. ایشان گفتند به سوریه می رویم. سید احمد عرض کرد اگر در مرز سوریه ما را برگردانند، دیگر جایی برای رفتن نداریم، و کشور فرانسه را به امام پیشنهاد کرد که ایشان پذیرفتند و آنان پس از توقف یک روزه در بغداد، با هواپیمایی عازم پاریس شدند. امام یادآور شده است: پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب کردم؛ زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود».(۱)

«به محض اینکه رهبر انقلاب و همراهان به پاریس رسیدند، حاج سید احمد، طی تماس تلفنی ورود امام به پاریس را به آیت الله پسندیده که در قم اقامت داشت، اطلاع داد. در این سفر، از جمع خانواده امام، تنها سید احمد همراه ایشان بود و دیگر اعضای بیت رهبر در نجف به سر می بردند».(۲)

«در پاریس و پس از آن، دهکده نوفل لوشاتو که در حومه این شهر قرار داشت، استقرار یافتند و مطمئن ترین فرد برای ارتباط با مبارزان و روحانیان مقاوم، سید احمد خمینی بود و بیشترین بارِ سامان دادن به امور کانون انقلاب، بر دوش ایشان بود. او کوشید گروه های سیاسی و جریان های نفوذی را به خوبی شناسایی کند و اجازه ندهد در دیدار با رهبر قیام، انگیزه های پلید خود را پی گیرند.

۱- غلامرضا گلی زواره، سیاحت خورشید، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ نک: پا به پای آفتاب، ج ۱، صص۹۴_۹۶؛ نک: همگام با خورشید، صص ۱۰۵ _ ۱۱۲.

۲- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۶، ص ۲۲۹.

همچنین برای تنظیم امور بیت و دفتر امـام در نوفـل لوشـاتو و برگزاری مصـاحبه های مطبوعاتی، ترجمه دقیق پیام ها و مصاحبه ها، جلوگیری از تحریف انـدیشه های امام، برنامه‌ریزی کرد. تراکم تلاش های سـید احمـد در آنجا، به حـدی شدت یافت که سلامتی وی را تهدیـد کرد و چنـدین بـار در بستر بیماری قرار گرفت. او با اسـتفاده از تجربه های قبلی و فراست ذاتی، بـدون آنکه در مسیر ارتباط مردم با امام مانعی ایجاد کند، مطمئن‌ترین روش های حفاظت از امام را سامان داد».(۱)

۱- نک: خبرگان ملت، ج ۲، ص ۲۷۵ _ ۲۷۷.

فصل سوم: پس از پیروزی انقلاب

اشاره

فصل سوم: پس از پیروزی انقلاب

زیر فصل ها

حضور در جلسات شورای انقلاب

حضور در جلسات شورای انقلاب

«سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، انقلاب اسلامی از غرب طلوع کرد و امام خمینی پس از سال ها دوری و تبعید به کشور ایران بازگشت. امام به همراه فرزند عزیزش، بعد از دیداری کوتاه با نمایندگان گروه های انقلابی در سالن فرودگاه، به بهشت زهرا رفت و نطق تاریخی خود را ایراد کرد. سپس رهبر انقلاب به همراه یادگار گران قدرش به مدرسه رفاه تشریف بردند تا از آنجا انقلاب را هدایت کند. دو مدرسه رفاه و علوی کانون خنثی‌سازی توطئه ها و کانون هدایت امت اسلام در رویارویی با دشمنان داخلی و خارجی بود و تنظیم امور این کانون، همچون دفتر و بیت امام در قم، نجف و پاریس، بر عهده

حاج سید احمد بود».(۱)

«سید احمد عضو رسمی شورای انقلاب نبود، اما گاهی در جلسات آن شرکت می کرد. در آن موقع رئیس دولت موقت، یعنی بازرگان با بعضی از شورای انقلاب اختلاف نظر داشت و یادگار امام با وسعت نظر و محبت فراوان، سخن ها را گوش می داد و او هم دیدگاه های افراد را به امام انتقال می داد و در این ارتباط دوسویه، اجازه نمی داد اختلافات اوج بگیرد».(۲)

همگامی با مبارزان فلسطینی

همگامی با مبارزان فلسطینی

۱- نک: سیاحت خورشید، صص ۱۸۷ و ۱۸۹؛ خبرگان ملت، ج ۲، صص ۲۸۰ و ۲۸۱.

۲- نک: «خاطرات آیت الله موسوی اردبیلی»، شاهد یاران، ص ۱۳.

«هم‌زمان با حضور هیئت فلسطینی در تهران، تابلوی سفارت فلسطین بر بالای ساختمان سفارت سابق اسرائیل (خیابان کاخ یا فلسطین کنونی) نصب شد و دفتر جبهه آزادی‌بخش فلسطین هم در این محل افتتاح شد. در این مراسم سید احمد خمینی، برای حاضران سخنرانی و طی آن تأکید کرد که تا آزادی تمام سرزمین های اسلامی به مبارزات خود ادامه می دهیم و به امید خدا پرچم فلسطین را به اهتزاز در می آوریم. این برنامه در ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ صورت گرفت».(۱)

در ماجرای اشغال لانه جاسوسی امریکا

در ماجرای اشغال لانه جاسوسی امریکا

«اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از مهم‌ترین وقایعی بود که در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد. روز بعد، یعنی در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ به دعوت دانشجویان وارد محوطه اشغالی سفارت امریکا شد و مورد استقبال شورانگیز حاضران قرار گرفت. او در تمام ۴۴۴ روز که از آغاز این ماجرا می گذشت، طرف مشورت امام و رابطه امین رهبری وشورای انقلاب و مسئولان نظام بود. وی علاوه بر انتقال پیام های امام به مسئولان در این ارتباط و فراهم کردن مطمئن‌ترین روش ها برای اطلاع امام از جزئیات این رخداد مهم، به عنوان صاحب نظر در مسائل سیاسی، طی چندین مصاحبه عمومی بر لزوم حمایت همه جانبه از اقدام دانشجویان تأکید کرد. او کوشید تلاش های لیبرال ها را که در صدد بودند حرکت انقلابی دانشجویان را مخدوش و مشکوک جلوه دهند، خنثی کند».(۲)

برای تأیید این ماجرا، چندین بار به لانه جاسوسی رفت و با گروگان ها ملاقات کرد و عمل انقلابی دانشجویان را ستود.(۳)

۱- کوثر (مجموعه سخنرانی های امام خمینی همراه با شرح وقایع انقلاب)، ج ۳، ص ۴۲۵.

۲- مهاجر قبیله ایمان، صص ۱۵۱ و ۱۵۸.

۳- شاهد یاران، ص ۲۸.

چگونگی عزل بنی صدر

چگونگی عزل بنی صدر

در ماجرای انتخابات ریاست جمهوری و اختصاص رأی اکثریت به بنی‌صدر، امام به وی رأی نداد و حاج سید احمد از پدر پیروی کرد؛ زیرا متوجه بود، و تا حدی خیانت وی را شناخته و احتمال می داد نمی تواند بار انقلاب را به درستی به منزل برساند. بارها سید احمد از ناسازگاری های بنی‌صدر می گفت، ولی با اینکه ایشان از وی دل پرخونی داشت، تأکید می کرد چون احمد وابسته به من است، نباید نسبت به کارهای او عکس‌العمل نشان دهد. با وجود این، احمد به امام عرض کرد بنی‌صدر می خواهد بین سپاه و ارتش اختلاف ایجاد کند و نیروهای مؤمن و مذهبی را مورد تهاجم قرار می دهد و درصدد است، کمیته های انقلاب اسلامی را در کلانتری ها ادغام کند و اجازه نمی دهد در سمت فرماندهی کل قوا اسلحه به دست رزمندگان برسد. امام در جواب احمد فرمود: این مسائل را من هم می دانم و به موقع تصمیم می گیرم. در یکی از شب ها، امام خطاب به احمد گوشزد کردند بنی صدر باید از فرماندهی کل قوا عزل شود که سید احمد با مشورت آقایان دکتر بهشتی و هاشمی رفسنجانی فرمان عزل وی را نگاشت و برای آنان خواند که پذیرفتند. بعد متن را امام مطالعه و امضا کرد. یک بار بنی‌صدر برای اینکه ظاهرسازی و اعلام کند مطیع رهبری هستم، در نامه‌ای از امام خواست تا قبول بفرمایند حاج سید احمد نخست وزیر شود که امام با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرد.(۱)

«حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی امام جمارانی یادآور شده است، بنی‌صدر درباره آینده خود سنجش افکار می کرد و خوش‌بین بود که در این سنجش ها به رهبری نزدیک گردیده است. یک شب که در جایی من و حاج

۱- «مصاحبه با حاج سید احمد خمینی»، روزنامه اطلاعات، ۸/ ۲/ ۱۳۶۱؛ دلیل آفتاب، صص ۱۰۳ و ۱۰۸.

احمـد آقـا و بنی‌صـدر، به منزل دوست مشـترکی رفته بودیم، سـید احمـد دسـتش را بر پشت بنی‌صـدر زد و گفت خیـال نکن اینهـایی که می رونـد سـنجش افکـار، به تو حرف راست می زننـد و واقعیت را می گوینـد؛ فریب آنهـا را نخور. این راهی که پیش گرفته ای، درست نیست. این موضوع سـنجش افکار، القائاتی است که منافقین به بنی‌صـدر می کردند. طولی نکشـید که بنی‌صدر از ریاست جمهوری عزل گردید و حتی نتوانست در ایران آشکارا زندگی کند و با لباس زنانه از ایران گریخت».(۱)

دفاع مقدس

دفاع مقدس

«جنگ تحمیلی از ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ خورشیدی، توسط رژیم بعثی حاکم بر عراق، علیه ایران آغاز گردید و پس از هشت سال، حماسه آفرینی های درخشان و فتوحات افتخارآفرین نیروهای رزمنـده، با پیام مورخ ۲۹/۴/۱۳۶۷ امام که خود، از تصمیم گیری های حکیمانه است، پایان پذیرفت».

«در این میـان، کسب اطلاعـات دقیق روزانه از آخرین وضع نیروهـای خودی و قوای دشـمن در جبهه هـا، جمع آوری دیـدگاه هـای افراد و گروه هـا دربـاره جنـگ و جمع بنـدی آخرین گزارش هـا از مواضع دولت هـا و مجامع بین المللی و رسانـدن این اطلاعات به فرمانـدهی کل قوا، از جمله مسئولیت هایی بود که حاج احمد آقا با مدیریت عالی خود و با روش هایی مطمئن و اسـتفاده از افرادی کاردان و امین، در دفتر حضـرت امام، آن را به بهترین وجه ایفا می کرد. ارتباط مستمر با شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی و شرکت در جلسات شورا، از دیگر وظایف ایشان در دوران دفاع مقدس بود. خود سید احمد هم در مورد جنگ تحلیل هایی داشت که بسیار راهگشا بود و چون برخی مشکلات حل نشده باقی می ماند، وی

۱- شاهد یاران، ص ۲۸.

وارد عمل می گردید و مسائل را به دقت بررسی می کرد و به استحضار امام می رسانید.

سید احمد، در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز در نشست های رؤسای سه قوا حضور می یافت(۱) که مهم ترین جلسات بود. در این جلسات به فرمایش مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، حاج احمد آقا به عنوان فردی خوش فکر، باهوش و با تجربه، انصافاً بسیار مؤثر بود و نظرهای پخته‌ای ارائه می داد و در پیش بردن بحث‌های جلسه و به نتیجه رسیدن مذاکرات تأثیر بسزایی داشت».(۲)

برکناری آیت الله منتظری

برکناری آیت الله منتظری

در ماجرای آیت الله منتظری، یکی از مظلومیت های احمد آقا این است که اطرافیان منتظری و حتی خودش تصور می کردند موضع‌گیری امام علیه منتظری نقشه‌ای است که احمد آقا هم در آن مشارکت دارد، درحالی که یادگار امام در تکاپوی آن بود که نگذارد بین ایشان و امام افتراقی حاصل شود. یکی دو بار هم منتظری را به خدمت امام آورد که در آن ملاقات ها امام با فروتنی از منتظری خواست که درس و بحث را ادامه دهد و در مسائل دادگاه ها دخالت نکند تا آنها کارشان را به درستی انجام دهند؛ که او نه تنها به فرمایش های امام گوش نداد، بلکه موضع‌گیری هم نمود. سید احمد خیلی کوشید اتفاق نظری میان امام و منتظری به وجود آورد و نگذارد کار به جاهای حساس برسد، که موضع‌گیری‌های منفی خود منتظری و جوسازی های حامیان او آن ماجرا را به وجود آورد».(۳)

۱- مهاجر قبیله ایمان، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ گنجینه دل، مصاحبه با محسن رضایی؛ خبرگان ملت، ج ۲، صص ۲۹۲ و ۲۹۳.

۲- «سلوک سیاسی یادگار امام در گفت و شنود با رهبر معظم انقلاب»، شاهد یاران، ش ۱۷، صص ۵ و ۶.

۳- «سلوک سیاسی یادگار امام در گفت و شنود با رهبر معظم انقلاب»، شاهد یاران، ش ۱۷، ص ۲۹.

اصولاً در همه رویدادها، احمد آقا، پشت سر امام حرکت می کرد و برخلاف خوش بینی هایی که نسبت به منتظری داشت، پا جای پای امام گذاشت و سرانجام امام تصمیم به عزل منتظری گرفت.(۱)

سید احمد خمینی در نگاشته‌ای با نام رنج‌نامه، خطاب به آیت الله منتظری، درباره ریشه مسائل نوشت که بی‌توجهی به آنها، سبب واقعه تلخ عزل از قائم مقام رهبری شد. او در مقدمه این نوشتار تأکید کرد: «هرگز منظور از این نامه این نیست که بگوید منتظری خط منافقین و لیبرال ها را پذیرفته است، بلکه غرضش این بود که ثابت شود جریان توطئه گر طیف مهدی هاشمی، با القائات خود، ایشان را وادار به موضعی کرده که خواسته دشمنان انقلاب و اسلام بود.

هیچ کس زحمت و فداکاری های منتظری را فراموش نمی کند، اما دوستداران انقلاب درشگفتند چرا ایشان با این کارنامه مفید، ناگهان مسائلی را مطرح کرد که با آن سوابق قبلی در تضاد بود».

موضوع خط سوم و حزب جمهوری اسلامی و نقش سید احمد

موضوع خط سوم و حزب جمهوری اسلامی و نقش سید احمد

یکی از مسائلی که درباره یادگار امام مطرح و مدت ها زبانزد خواص و عوام بود، ماجرای خط سوم است. واقعیت این است که ایشان به هیچ حزب، دسته و گروهی گرایش نداشت و جدا از روابط حزبی، به دفاع از خط امام می اندیشید. او در جلسه‌ای افراد را به سه دسته تقسیم کرد: عده‌ای مکتبی و معتقد و گروهی که مکتب را مطرح کرده و از آن نان می خورند و سرانجام گروه سوم، اگر چه اهل قلم و بیان و به اصطلاح روشنفکرند، هیچ گونه شناختی از جامعه ندارند و تنها مراقبند عقب نیفتند.

سپس با ترسیم این سه موضع اشاره کرد این دو خط باطل هستند و باید کنار نهاد و خط اول را که راستین بوده و تنها راه نجات است، باید دنبال کرد.

۱- «گفت و شنود با محمد حسن رحیمیان»، شاهد یاران، ص ۱۹.

«گروهی برداشت کرده بودنـد سـید احمـد جلساتی داشـته تا جناحی با نام خط سوم، به عنوان حرکتی سیاسـی به وجود آورد. البته او به لزوم تشـکل اعتقاد داشت و می گفت بـدون تشـکیلات مذهبیِ قوی نمی شود کشور را اداره کرد و نیروهای خوب، بـدون تشـکلی درست و جهت دار از بین می رونـد. او حزب جمهوری را تنها تشـکیلات مذهبیِ در خط امام دانست و در این باره گفته است: «اگر چه دارای اشـکالاتی است، کدام تشکل را به وسعت حزب جمهوری و به کم اشکالی آن می توان نشان داد. باید با تمام وجود بکوشیم، تقویتش کنیم».

او روحانیت را هم به سه دسته تقسیم کرد: «گروهی مبارز، متعهد و آگاه و مسئول؛ دسته‌ای دیگر که مخالف هر جریان تازه‌ای هسـتند و دوسـت دارنـد آهسـته بیاینـد و بروند و وابسـتگان آنـان کم‌انـد. تعـدادی هم مخـالف ظلم و سـتم هسـتند و از اینکه مسـتکبران فرهنـگ تعلیم و تربیت جامعه اسـلامی را مورد تهدیـد قرار دادنـد، ناراحتنـد، ولی عقیـده‌شان این بود که نمی شود کاری کرد. سـید احمد از خدا می خواهد دسـته دوم اصـلاح گردند و امیدوار است اگر قابل اصـلاح نیسـتند، مدرسین محترم حوزه آنان را تصفیه و مردم، آنها را طرد کنند».(۱)

سیـد احمـد خمینی، از آغـاز پیروزی تـا زمان ارتحال امام، به بهترین شـکل، امور بیت امام را سامان داد و به عنوان چشم بینا و گوش شنوای امام و امین و محرم راز، مسائل نظام را زیر نظر داشت.

قـدرت مـدیریت، صـراحت، بینش و دلسوزی او دربـاره انقلاب و اشتیاقش به امام گره گشای بسـیاری از دشواری های نظام و انقلاب بود. آنچه برایش اهمیت داشت، این بود که زمینه ای منـاسب فراهم آورد تا امام بتوانـد با اطمینان امور نظام جمهوری اسلامی را هر چه قوی تر رهبری کند و به همین

۱- برگرفته از «گفت وگوی سید احمـد خمینی با خبرگان»، ۲۳/۱/۱۳۶۰؛ مجموعه آثـار یادگار امام؛ نک: مهاجر قبیله ایمان، صص ۱۷۱ _ ۱۷۴.

جهت آن عزیز، همه چیز خود، حتی آرامش روحی خویش را با نهایت اخلاص و فداکاری فدیه راهی کرد که برای عزت اسلام و مسلمین، پیمودن آن ضرورت داشت».(۱)

مشاور امین و مورد اعتماد امام خمینی رحمه الله

مشاور امین و مورد اعتماد امام خمینی رحمه الله

سید احمد به عنوان رابطی صدیق و مشاوری امین، همه مسائل را به استحضار امام می رساند، حتی مسائل به ظاهر جزئی را از نظر رهبر انقلاب پنهان نمی کرد و پیام امام را در کمال امانت و بدون هیچ تفسیری، عیناً به آحاد جامعه به خصوص گروه های مذهبی و مبارز منتقل می نمود و پاسخ و واکنش اشخاص و احزاب و تشکل ها را نیز بدون هیچ گونه دگرگونی عیناً به آگاهی پدر می رساند.

داماد امام، دکتر محمود بروجردی، در این باره گفته است: «امام، حاج سید احمد را یک محل اتکایی برای خود می دانست و ایشان بازوی توانا برای امام بود. امام از جهت رازداری، رعایت در امانت و مانند آن، به فرزندش اعتماد کامل داشت».(۲)

«امام کیاست، سیاست و تدبیر سید احمد را باور کرد و به درایت و فراست او ایمان داشت و او را کارگزاری می دانست که با استعداد شگرفش، مسائل را از نزدیک می شناسد و به حضور مقتدای خویش منعکس می کند. نقش احمد در انقلاب، موازی رهبری نبود و اگرچه حرکتش در بستر حوادث قبل و بعد از پیروزی این نهضت مستقل و تأثیرگذار بود، چنین نبود که بدون توجه به حرکت امام باشد. چه بسا گره هایی که رهبر کبیر انقلاب به دست احمد گشوده و چه برکت هایی که امام به جامعه تقدیم کرده که

۱- «فراق یادگار یار»، مجله پیام حوزه، سال اول، زمستان ۱۳۷۴، ش ۴، ص ۷۴.

۲- مجله رشد معلم، ش ۹، ص ۳۳.

محصول مشورت با مطمئن ترین مشاور خود؛ یعنی احمـد بوده است. چه بسـیار حوادثی که سـید احمد گزارش خود را به پدر ارائه می داد، اما امام طرح آنها را به مصلحت نمی دانست؛ احمد هم آنها را در هیچ جایی مطرح نکرد».(۱)

«در واقع یادگـار امام، خلاصه امام، گنجینه تمام اسـرار ناگفته انقلاب، نظام و امام بود و این بـدان معناست که احمـد از لحظه ولادت در دامان امام پرورش می یابـد و در منزلش به شـکوفایی می رسـد و در محفلش می نشـیند و در مکتب او نکته ها می آموزد».(۲)

امام در این باره فرمود: «احمـد هیـچ چیزی را به من نسبت نمی دهد که من نگفته باشم.» که این گواهی خیلی باارزش و مهم است. مقام معظم رهبری، در این باره گفته است: «به یاد داریم که دو بار امام فرمودند: احمد اعز اشخاص برای من است».(۳)

مقام معظم رهبری، به مناسبت رحلت سـید احمـد خمینی، چنین نوشت: «او برای رهبر کبیر انقلاب، فرزنـدی مهربان و در عین حـال مشـاوری امین و یـاری دیرین و سـربازی فـداکار و مریـدی گوش به فرمـان و کـارگزاری لایق و کارآمـد بود. امام بارها محبت پرشور و اعتماد عمیق و تحسین قلبی خود به این فرزند خاضع و مطیع خود را به زبان آورده بود».(۴)

همسـر سـید احمد، دکتر فاطمه طباطبایی گفته است: «حرف‌های احمد آقا در واقع همان خواسته های حضـرت امام بود که بر زبان او جاری می شد. به اعتقاد من بسیار مهم و در عین حال کار دشواری است که انسان، صاحب فکر و اندیشه و رأی باشد، اما در عین حال در انتقال مفاهیم و آرا، حفظ

۱- مجموعه آثار یادگار امام، ص ۲۳.

۲- مجموعه آثار یادگار امام، ص ۱۹.

۳- شاهد یاران، ص ۵.

۴- حکایت مهر (یادمان اولین سالگرد رحلت یادگار امام خمینی)، صص ۲۱ و ۲۲.

امانت کند. امام یک بار در مورد احمد آقا فرموده بودند، احمد هم عادل است و هم عاقل».(۱)

به قول حجت الاسلام محمد حسن رحیمیان، احمد در مقابل حضرت امام و رأی ایشان برای خودش و نظر خویش و حتی وجود خود، هیچ شأنی قائل نبود، بلکه برعکس برای اجرای دستورهای امام در اولین فرصت و بدون فوت وقت، تمام وجودش در جوش و خروش بود.(۲)

از تلاش های مهم سید احمد، حراست عاشقانه از سلامت جسمی و آرامش خاطر آن بزرگوار بود. بدون تردید توان بدنی و قدرت کاری حضرت امام در دورانی پرخطر با وجود سن بالا و بیماری قلبی، در میان عوامل و اسباب طبیعی و عادی، بیش از همه به ابتکار، مراقبت و پیگیری دل سوزانه این فرزند مهربانش بستگی داشت.(۳)

درمانگاهی که در جماران ساخته شد، به پیشنهاد و ابتکار احمد آقا بود که البته بعد گسترش یافت. امام وقتی دچار عارضه قلبی شد، در این درمانگاه بستری گشت. ایشان تصور می کرد، اکنون وی را در بیمارستان قلب بستری می کنند و نگرانی هایی برای مردم و کارکنان بیمارستان ایجاد می شود. تا به ایشان گفته شد، در درمانگاه مجاور منزلشان بستری می‌شوند و خبر بیماری منتشر نخواهد شد، از ساخت چنین مکانی خشنود گشت.(۴)

وجود اشتباه‌های آشکار در انتساب مطالب به امام خمینی رحمه الله یا تحریف در نقل وقایع و رخدادهای نهضت امام خمینی رحمه الله در نشریات و برخی کتاب ها، انگیزه‌هایی بودند که حاج سید احمد در نامه‌ای از امام بخواهد، نهادی را برای نظارت بر انتشار آثارشان تعیین فرماید. بدین گونه با پیشنهاد

۱- نک: شاهد یاران، ص ۶۷.

۲- شاهد یاران، ص ۱۹.

۳- نک: حکایت مهر، ص ۲۲.

۴- شاهد یاران، ص ۲۲؛ حکایت مهر، ص ۶۸.

سیـد احمـد و بـا مسـئولیت وی، مؤسـسه تنظیم و نشـر آثـار امام خمینی رحمه الله از ۱۷ شهریور ۱۳۶۷ ـ در زمـان حیـات امام خمینی ـ شـروع به کار کرد، بدین ترتیب، امام ضمن قبول نظر فرزندش، وی را شایسته تصدی چنین تشکیلاتی دانست. ایجاد بارگاه و حرم امام خمینی رحمه الله و پژوهشکده امام خمینی رحمه الله نیز از دیگر تلاش های حاج سید احمد است.(۱)

نامه های نورانی

نامه های نورانی

«بین امـام خمینی و سـید احمـد، مکاتبـات متعـددی صورت گرفته است. برخی از این نـامه هـا خانوادگی و تعـدادی مربوط به مسائل مالی و شهریه طلاب و وجو هات شرعی و سرانجام شماری از آنها درباره مسائل سیاسی و اجتماعی است. این نامه ها یا توسط پست ارسال می گردیدنـد یا مسافران و پیک هایی به دست گیرنـده می رساندنـد. در نامه هایی که امام از طریق پسـت برای فرزندش فرستاده، بر این نکته تأکید شده که احمد به تحصیل علم و تهذیب نفس بپردازد و در امور دیگر دخالت نکند.

حاج احمـد آقا تأکیـد کرده است که امام برای اغفال ساواک، نامه ها را به این گونه می نوشـته‌اند تا حساسـیت سازمان امنیت کشور ایران (در زمان رژیم پهلوی) درباره فعالیت‌های سیاسی احمد و ارتباط او با کانون نهضت برانگیخته نشود. احمد هم در جواب می‌نوشت: در کاری دخالت نـدارم. پـدر در نامه‌ای دیگر یادآور می‌شـد، از اینکه یادگارش به هیـچ امری جز تحصـیل وارد نشـده، ممنـون هسـتم. برخی نـامه‌هـا که بـار سیاسـی داشت، توسـط احمـد به مسـافرانی که عـازم کشورهـای خاورمیـانه، سرزمین‌هـای حوزه خلیـج فـارس و کشورهـای اروپـایی بودنـد، داده می‌شـد تـا آنان این نامه‌ها را به نشانی نجف پست کننـد. گاهی از جاسازی و رعایت اصل مخفی‌کاری استفاده می‌شد.

۱- حکایت مهر، ص ۶۸؛ خبرگان ملت، ج ۲، ص ۳۱۲.

اعلامیه‌ها و پیام‌های امام این گونه به ایران انتقال می یافت و به دست احمد می رسید. هنگام انتشار کتاب شهید جاوید، در حوزه‌های علمیه و محافل مذهبی و سیاسی جدال‌های زیادی به وجود آمد که ساواک به تشدید و گسترش آنها دامن زد. امام در نامه‌ای از احمد خواست در این اختلافات وارد نشود و چون در خرداد سال ۱۳۴۹، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی فوت کرد، در نامه‌ای خطاب به احمد او را از وارد شدن در کشمکش‌های سیاسی بر سر مرجعیت بازداشت».(۱)

امام چند فقره نامه اخلاقی و عرفانی، خطاب به حاج سید احمد نوشته و در آنها وی را به نماز عارفان و سلوک معنوی، خودسازی و تهذیب نفس توجه داده است و به وی تأکید کرده قدر جوانی را بداند و در این دوران به فکر اصلاح خود باشد.(۲)

از آنجا که سید احمد آماج یورش‌های مخالفان، منافقان و حتی افراد جاهل قرار گرفت و غبار مظلومیت سیمای خالصانه و صادقانه‌اش را پوشانده بود، امام خمینی رحمه الله با وجود آنکه هیچ گاه تمایل نداشت درباره نزدیکانش بگوید، از وی دفاع کرد و نوشت:

این جانب در پیشگاه مقدس حق، شهادت می دهم که از اول انقلاب تا کنون و پیش از انقلاب در زمانی که [احمد] وارد این نحو مسائل سیاسی شده است، از او رفتار یا گفتاری که برخلاف مسیر انقلاب اسلامی ایران باشد، ندیده‌ام و در تمام مراحل از انقلاب پشتیبانی نموده و در مرحله پیروزی شکوهمند انقلاب معین و کمک کار من بوده است و کاری که برخلاف نظر من است، انجام نمی دهد... .(۳)

۱- نک: صحیفه امام، ج ۲، صص ۲۷۴، ۴۱۷، ۴۲۶ و ۴۵۳؛ صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۸؛ نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۷۴۹؛ وعده دیدار، صص ۴۲ و ۱۴۷؛ گنجینه دل، ص ۵۴۱؛ «آشنای غریب»، ص ۱۳.

۲- نک: صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۱۵۴ _ ۱۵۸؛ ۴۳۶ _ ۴۴۳.

۳- رحیم صادق الوعد، ردپا، صص ۱۰۹ _ ۱۱۱.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این نامه خاطر نشان ساخت: «احمد در امور مالی من دخالت ندارد و ضبط و حفظ بیت المال در اختیار افراد مورد وثوق است».

امام اتهاماتی چون طرفداری فرزندش از منافقین، ماجرای بنی‌صدر مخالفت با روحانیت و مطرح کردن مسائلی چون خط سوم را بی اساس می دانست و در جایی فرموده است: «او هیچ گاه از خط اسلام و انقلاب خارج نبود.»(۱) احمد در پایانِ نامه، خطاب به حمید انصاری چنین نوشته است: چون امام مظلومیت مرا دیده‌اند، ناچار به عنوان دفاع از مظلومیت این را نوشته‌اند.

در عصر بعد از رحلت امام خمینی رحمه الله

در عصر بعد از رحلت امام خمینی رحمه الله

حادثه جان‌گداز رحلت رهبر کبیر انقلاب در شبانگاه سیزدهم خرداد ۱۳۶۸، برای سید احمد بسیار تلخ بود. او ناباورانه، لب‌ها را بر پیشانی نورانی و مبارك پدر می گذارد و بر آن قامتی که لحظه‌ای در برابر ستم خم نگردید، بوسه می زند. شرایط، ناگوار و سهمگین است، ولی در همان اندوه کشنده و آتش فراقی که هر لحظه شعله هایش زبانه می کشید، وقتی می دید چهره های مؤمن و مصممی تصمیم گرفته‌اند راه امام خمینی همچنان فروزنده باشد، تحمل مصیبت رحلت پدر برایش آسان شد. در صبحگاه چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ که خبرگان ملت، برای تعیین تکلیف رهبری آینده نظام اسلامی گرد آمدند، فرزند روح الله، با صلابت و اطمینان کامل و با اظهارنظر دشمن شکن خویش، راهگشای انتخاب اصلح شد و شایستگی خویش را در اصالت دادن به ارزش هایی که امام مروج و مدافع آنها بود، نشان داد. او در دفاع از انقلاب و نهاد رهبری روش گذشته را ادامه داد و با آنچه از سوی مقام معظم رهبری ابراز می گردید، موافق بود و هیچ گاه اعتقاد خویش را با مصلحت اندیشی‌های ریاکارانه معامله نکرد.(۲)

۱- نک: صحیفه امام، ج ۲۰، صص ۴۳۶ _ ۴۴۳.

۲- در این باره، نک: دیدگاه‌ها (منتخبی از مواضع حاج سید احمد خمینی).

«با وجود شایستگی هایی که داشت، از پذیرفتن سمت‌های اجرایی امتناع ورزید، ولی چون به نظر و خواست مقام معظم رهبری به دیده یک تکلیف شرعی می نگریست، بر اساس پیشنهاد ایشان عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی را که عالی ترین و حساس ترین مراکز شورای نظام جمهوری اسلامی ایران بود، پذیرا شد. این مسئولیت ها تا زمان رحلتش ادامه داشت و تجربه عالی و بینش ارزشمند سید احمد به غنای جلسات این شوراها می‌افزود».(۱)

«مقام معظم رهبری، در ۱۷ فروردین ۱۳۷۰، طی حکمی سید احمد را به عنوان نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی برگزیدند.(۲) یادگار امام این مسئولیت را با رضایت کامل و فروتنی پذیرفت و با شوق کارها را در این سمت دنبال کرد و در پی تمهید مقدمات بود، اما چون والده اش با این برنامه موافقت نداشت، از مقام معظم رهبری خواست اگر اجازه فرمایند، خواست مادر مکرّمش را بر مسئولیت جدید مقدّم بدارد. حضرت آیت الله خامنه ای، طی نامه ای در ۲۵/۱/۱۳۷۰، با استعفای ایشان موافقت و مسئولیت را به دیگری تفویض کردند و سید احمد برحسب روحیه ای که در حمایت از محرومان داشت و بر اساس سفارش‌های امام، از زمان حیات ایشان، داوطلبانه و با افتخار، عضویت در هیئت امنای مرکزی کمیته امداد امام خمینی را پذیرفته بود».(۳)

همچنین در دیدار و گفت‌وگو با مقام معظم رهبری و مراودات با مسئولان نظام، مطالعه گزارش‌ها و نامه‌های رسیده به دفتر امام، حضور در جمع

۱- مهاجر قبیله ایمان، ص ۲۳۴.

۲- روزنامه اطلاعات، ۱۸/۱/۱۳۷۰؛ حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج ۷، ص ۳۰.

۳- خبرگان ملت، ج ۲، ص ۳۰۴.

دوستان و اعضای این دفتر و نیز دیدارهای فراوانی که با مسئولان و شخصیت های خارجی در حرم امام و جماران داشت، بخش عمده ای از اوقات فراغت را صرف خودسازی، مطالعه، مباحثه و تدریس کرد و ساعاتی را با علاقه فراوان، به بررسی مسائل مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و آستان امام، اختصاص می داد که تولیت این دو را عهده‌دار بود.

در حرم مطهر امام، ضمن برگزاری نماز جماعت و سخنرانی های روشنگر، در گردهمایی‌ها و مجالسی حضور می یافت که به مناسبت های گوناگون برگزار می شد. در حسینیه جماران نیز در جمع دوستان و اهل جماران و بازدیدکنندگان، نماز جماعت اقامه می کرد و بین دو نماز، تفسیر قرآن و شرح چهل حدیث امام را برای علاقه‌مندان می گفت. در برخی ایام ماه مبارک رمضان، در بخش پاسخ به سؤالات شرعی دفتر امام که از دیرباز و به ابتکار ایشان در زمان حیات پدر، بر پا شده بود، بدون تکلف‌های متداول حاضر می شد و به سؤالات شرعی مردم پاسخ می گفت.(۱)

او در این ایام، با نهایت فداکاری و اشتیاق و تدبیر و با کوله باری از تجربه و فراست، در خدمت انقلاب بود و نمی توان نقش بارز او را به عنوان مشاور و امین امام در تثبیت امر رهبری و استحکام نظام اسلامی نادیده گرفت.(۲)

۱- مهاجر قبیله ایمان، صص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۲- گنجینه دل، صص ۴۳۵ و ۴۳۶؛ مهاجر قبیله ایمان، صص ۲۶۲ و ۲۶۳.

فصل چهارم: فضیلت‌های اخلاقی

اشاره

فصل چهارم: فضیلت‌های اخلاقی

زیر فصل ها

پاسداری از اسلام ناب محمدی

لطافت روحی

اخلاق معاشرت

فراست و تیزهوشی و تدبیر

خلق و خوی خانوادگی

سیر بیماری و چگونگی رحلت حاج سید احمد خمینی

پاسداری از اسلام ناب محمدی

پاسداری از اسلام ناب محمدی

اساسی‌ترین وظیفه و مقصد حاج سید احمد خمینی، تداوم و پاسداری از ارزش‌هایی بود که امام خمینی رحمه الله برای احیا، گسترش و تعمیق آنها در تمامی ابعاد و زمینه‌ها اهتمام ورزید. سید احمد، برای این حراست و صیانت از فضیلت‌ها، از تعبد، اخلاص، هوشیاری، کیاست، شجاعت، دوراندیشی و جامع‌نگری بهره برد.

وی خود را پاسدار اسلام نابی می‌دانست که با دریافت از سرچشمه زلال تعالیم پدر، آن را اسلامی ستیزه‌گر با استکبار، رذالت، چاپلوسی، ریاکاری و مقاوم در برابر نارواییها و افکار منجمد و هرگونه تهاجم فرهنگی می دانست که متکی بر فقه سنتی و جواهری؛ اسلامی که استقلال طلب، عزت بخش و عدالت‌خواه است.(۱)

سید احمد، تبلور این آرمان را در استمرار، استحکام و پایداری نظام جمهوری اسلامی، بر اساس ارزش‌ها و معیارهای ترسیم شده از سوی معمار بزرگ آن می دانست.

بر این اساس او تسلیم و تبعیت از ولایت و رهبری را خاضعانه و متعبدانه پذیراست و با همه توان، به تقویت و استحکام نظری

و عملی آن می‌پردازد و در تداوم همین مسیر، حمایت از خدمتگزاران و مسئولان صدیق نظام را وظیفه خود دانست، ولی برای وی ارزش و حرمت کارگزاران، تابعی

۱- دیدگاه‌ها (منتخبی از مواضع حاج سید احمد خمینی)، سخنرانی سید احمد خمینی در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۲۲/۱/۱۳۶۹، صص ۷ و ۸.

از ارزش تعـالیم اسـلام اصـیل بود. ازاین رو، حمـایت از مسـئولان را با مراقبت دقیق عملکردها و نقـد سازنـده و دلسوزانه آنان همراه ساخت.

ارزش‌هایی چون مقاومت در برابر مستکبران جهانی و سلطه ابرقدرت‌ها و کوتاه نیامدن و انفعال نداشتن در برابر زورگویی‌ها و شرارت‌هـای مـدعیان دروغیـن حقـوق بشـر و آزادی، حمـایت از مبـارزات حـق طلبـانه امـت مسـلمان، بـه ویژه مردم فلسـطین، فقرستیزی و پشتیبانی از محرومان، بیزاری از تحجرگرایی، کژفهمی و برداشت‌های سطحی و متکی بر منافع شخصی، گروهی و جناحی، اموری بود که حاج سـید احمـد آقا بر آنان پافشاری می کرد و به خواص اقشار مردم، در برابر عوامل تضـعیف کننده این ارزش‌ها هشدار می داد.

او بر این باور بود که افراد مخلص و صـدیق و اشخاصـی که برای جلب رضایت خداوند کار می‌کنند، مردم را در نظر دارند و چنین نیروهایی، به دنیا و مقام دل بستگی ندارند.

سیـد احمـد به این اعتقادات التزام عملی داشت و با نوعی پالایش معنوی در همه برنامه‌ها و تلاش‌ها، معیارهای الهی را در نظر می‌گرفت.

لطافت روحی

لطافت روحی

«سید احمد، در مسیر زندگی، زهد و پارسایی شـگفتی داشت. دنیا را پشت سر نهاده بود. گویی فرجام کار را می‌دانست. در این اواخر، در بیابان‌های اطراف قم، در خانه‌ای کاه‌گلی به عبادت و راز و نیاز با خداوند مشغول گردید. برخی آشنایان که به خدمتش می‌رسیدند، می‌گفتند اینجا هوا بسیار گرم است و امکاناتی هم وجود ندارد، چرا چنین مکانی را برگزیده‌اید. پاسخ

داد: آمده‌ام تا قدری بتوانم با خدا ارتباط برقرار کنم و از محیط‌هایی که بوی گناه دارد، دور باشم و کمتر غیبت بشنوم».(۱)

حـاج احمـد آقا، در مکتب پر فیض امام، خود را از هواها و هوس‌ها خالی کرد و قلب خویش را از معرفت و محبت خداونـد و اولیای او سرشار ساخت.

در میـان نوشـته‌هـای امـام خطـاب به یادگـار عزیزش که پس از پیروزی انقلاب اسـلامی چـاپ شـد، چنـد نـامه مفصل حاوی ژرف‌ترین مبـاحث عرفـانی و اخلاقی به چشم می‌خورد که سـرشار از نکته‌های پنـدآموز است و نشان می‌دهـد، حضـرت امام رحمه الله ظرفیت و قابلیت لازم را برای دریافت این اسرار و معانی اخلاقی و عرفانی در وجود سید احمد می‌دیده است.(۲)

خداترسـی و حق محوری سـبب شـد که فضـیلت‌هـای عـالی و اخلاـقی در وجود این سـید وارسـته شـکوفا شود. از جمله آنها، شهامت، صـراحت لهجه، قاطعیت و اعتماد به نفس، فروتنی و کوشش فراوان برای رفع سریع گرفتاری‌ها دردمندان و محرومین بود.(۳)

اخلاق معاشرت

اخلاق معاشرت

«سـید احمـد، بـا سـیمایی شـاداب و خلقی گشـاده و نیکـو بـا مردم برخـورد می کرد. خشـم در چهره‌اش دیـده نمی‌شـد. در برخوردهـای شخصـی، زودگـذشت و کریم بود. در ارتبـاط با مردم، مراجعه کننـدگان و اطرافیان، از موضع قـدرت رفتار نمی نمود. فردی بـا متـانت و وقـار و در عین حـال متواضع بود. خود را خـدمتگزار مردم می‌نامیـد و بر این گفته اعتقاد قلبی داشت. عموم

۱- نک: علی اصغر شعر دوست، یاد یادگار امام، صص ۱۱۵ _ ۱۱۹.

۲- نک: وعده دیدار (نامه‌های امام به حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی).

۳- گنجینه دل، ص ۱۲۰.

رفت وآمدهایش در سطح شهر، با خودرو معمولی و به همراه یکی دو تن از دوستانش و بدون هیچ گونه اثری از تشریفات متداول بود. رسیدگی به امور محرومان و رفع گرفتاری‌های دردمندان را نه یک منت، بلکه وظیفه‌ای شرعی تلقی می‌کرد». (۱)

«مهربانی و سیمای گشاده‌اش به گونه‌ای بود که هر شخصی را تحت تأثیر قرار می‌داد. به همان سان که در برابر مدیران ارشد نظام ظاهر می‌گردید، با همان خصوصیت و مرام در کنار افرادی می‌نشست که از نظر مناسبات اجتماعی، در موقعیت بسیار متفاوتی قرار داشتند. نمی‌پسندید در میان افراد فرق گذاشته شود و به همه یکسان می‌نگریست. ملاک برتری اشخاص را پارسایی و فضایل و مکارم انسانی می‌دانست. رسم جوانمردی و انصاف نمی‌دانست که کسی را به صرف داشتن سلیقه متفاوت و حتی اندیشه متضاد، از حقوق اجتماعی و مدنی محروم گردد». (۲)

«نسبت به نزدیکان و افراد فامیل دارای حس مسئولیت بود و در مشکلاتی که برای خویشاوندان پیش می‌آمد، پیش قدم می‌گردید و خود را از صاحب مشکل جدا نمی‌دانست». (۳)

فراست و تیزهوشی و تدبیر

فراست و تیزهوشی و تدبیر

یکی از ویژگی‌های فردی حاج سید احمد، هوش فوق‌العاده، زیرکی و دقت نظر بود. به سبب همین فراست، دو دوره مقدماتی و سطح حوزه را با سرعت و در حد بسیار مطلوبی نزد بزرگان حوزه علمیه قم طی کرد و هم زمان با تحصیل، به تدریس سطوح قبلی اشتغال داشت و پس از آن،

۱- نک: مهاجر قبیله ایمان، صص ۲۴۲ _ ۲۴۴.

۲- یاد یادگار امام، صص ۶۵ و ۶۶.

۳- گنجینه دل، صص ۴۳ و ۴۶.

دروس خارج فقه و اصول را نزد اعاظم حوزه آموخت. مطمئناً اگر فرصت‌ها امکان تدریس به ایشان می‌داد و اگر اشتغالات فوق‌العاده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیش نمی‌آمد، با توجه به هوش سرشار و مدارجی که او در فقه و اصول گذرانیده بود، در این وادی نیز همچون عرصه سیاست و مبارزه، چهره تابناکش روشنی بخش حوزه‌های علمیه می‌گردید. البته بعد از رحلت امام بر خلاف محدودیت‌ها و مشغله‌هایی که هنوز استمرار داشت، فرصتی اندک پیش آمد تا ساعاتی را به تدریس ادبیات عرب، مکاسب و کفایه بپردازد. برخی شاگردانش که در این مدت کوتاه از محضرش بهره برده‌اند، چنین گفته‌اند:

«درس کفایه آن مرحوم سرشار از نکته‌بینی‌ها و دقت‌های عالمانه و مجتهدانه بود که غالباً مورد غفلت دیگران قرار می‌گیرد. تسلطش بر مبانی فقه و اصول در ضمن درس کاملاً ـ مشهود بود و تا نکته‌ای را عمیقاً تفهیم نمی کرد، رد نمی‌شد. خصلت امانت‌داری در تدریس او کاملاً ـ محرز بود و مقید بود قبل از درس، اقوال و آرای مشاهیر اصول را در موضوع مورد بحث مطالعه کند و از همین روی، درسش توأم با نقد و تطبیق بود».

به مباحث فلسفی و عرفانی علاقه داشت و سال‌ها در محضر بزرگان این رشته از علوم اسلامی به فراگیری شرح منظومه سبزواری و اسفار ملاصدرا پرداخت و آموخته‌های خود را به دیگران تعلیم داد. در باب اندیشه‌های گوناگون در حکمت و منطق، مطالعات گسترده‌ای داشت و مکتب‌های فلسفی و سیاسی معاصر غرب را می‌شناخت و به نقد و ارزیابی آنها می‌پرداخت. در تفسیر معانی اشعار عرفانی بزرگان ادب فارسی دیدگاه های کارشناسانه و استواری داشت که گاه اهل ذوق و فن را به شگفتی وامی‌داشت. ذوقی لطیف و شاعرانه داشت و از برخی جنبه‌های هنری استقبال می‌کرد و در بعضی از

آنها سررشته داشت. در وادی سیاست با آنکه مدرک سیاسی نگرفته بود، به اعتراف دوست و دشمن، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان سیاسی جمهوری اسلامی و بلکه جهان اسلام بود. در پیش‌بینی اهداف و عملکردهای آنی دشمنان، دیدگاه‌های مستدل و واقع بینانه داشت و در جلسات مهم تصمیم‌گیری‌ها، آگاهان حاضر و حتی کارشناسان متخصص به رأی او گرایش می‌یافتند. نقش راه گشای او در جلسات سران سه قوه، شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام برجسته بود.

«شناخت او از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و آشنایی به مبانی و مواضع سیاسی هر کدام در حدی بود که به جرئت می‌توان گفت از نادر افرادی است که در این جهت هم از قدرت درک و تحلیل بسیار بالایی برخوردار بود و هم آگاهی‌های فراوان و عمیقی از افراد، چهره‌ها، احزاب و افکار آنان داشت و حافظه‌اش درباره مسائل سیاسی، دانش‌نامه‌ای جامع و کم‌نظیر بود».(۱)

«با اینکه همه مسئولان را با تمامی خصوصیات اخلاقی، رفتاری و سوابق می‌شناخت، با هر کدامشان به اقتضای شخصیتش برخورد می‌کرد. او موفق گردید با درایت و کیاست و مدیریت قوی، متجاوز از ده سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی دفتر و بیت امام را که قلب تپنده کشور، بلکه جهان اسلام به شمار می‌رفت و شبانه‌روز محل تردد صدها و بلکه هزاران نفر با فرهنگ‌ها و سلایق و تمایلات گوناگون بود و نقطه امید میلیون ها نفر و آماج توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی بود، به گونه‌ای اداره و نظارت کند که کمترین اختلال، اختلاف، درگیری و آشفتگی در آن مشاهده نگردید».(۲)

مقام معظم رهبری فرموده است:

۱- مهاجر قبیله ایمان، صص ۲۵۷ _ ۲۵۹.

۲- یاد یادگار امام، صص ۹۸ و ۹۹.

«حاج احمد آقا یک عنصر قابل و لایقی بود. اولاً ایشان خیلی باهوش بود. به طوری که اگر انسان بخواهد یک صفت ذاتی و خصوصیت برجسته را از حاج احمد آقا بشمرد، هوش اوست. بسیار مرد باهوش، تیز و زیرک بود. ایشان واقعاً در کنار امام، یک عنصر لازم و بی بدیل بود. هیچ کس در کنار امام نمی‌توانست این نقش را ایفا کند. حاج احمد آقا در موارد متعددی به امام مشورت می‌داد و امام از مشورت حاج احمد آقا استفاده بهینه می‌کرد... . (البته) نباید تصور شود که ایشان چیزی را به امام تلقین می‌کرد. امام تلقین پذیر نبود، ولی نظرات روشن و قوی‌ای را در موارد متعددی به امام منتقل می‌کردند و امام هم از آنها استفاده می‌کردند...».(۱)

خلق و خوی خانوادگی

خلق و خوی خانوادگی

حاج سید احمد، بعد از تحقیق و مشورت با امام و دیگر اعضای خانواده، در یازدهم مهر ۱۳۴۸، با دختر آیت الله سلطانی طباطبایی، سیده فاطمه خانم ازدواج کرد که از خاندان شریف و محترم روحانیت در قم است. حاصل این پیوند، سه پسر به نام‌های سید حسن، سید یاسر و سید علی است.(۲)

همسرش فاطمه طباطبایی گفته است: «(احمد) در مصرف بیت المال تا آن حد محتاط بود که یادم هست روزی به حضرت امام گفت: من فکر می‌کنم هزینه زندگی ام بیش از میزان کاری است که انجام می‌دهم. این در حالی بود که به من سفارش می‌کرد در خرج کردن نهایت صرفه جویی را بکنم و با هر نوع تجمل‌گرایی واقعاً مخالف بود. همیشه دلش می‌خواست ساده‌ترین زندگی را داشته باشد. گاهی هدیه‌هایی از افراد می‌رسید. او به من می‌گفت این هدیه‌ها به پسر رهبر انقلاب تعلق دارد نه به احمد و متعلق به بیت المال

۱- گنجینه دل، صص ۱۸ و ۱۹.

۲- مهاجر قبیله ایمان، صص ۶۱ و ۶۲.

است. یا مثلاً میهمان که می‌آمد، اگر من دو جور غذا درست می‌کردم، احمد اعتراض می‌کرد و می‌گفت: این اسراف است. گاهی می‌خواستم برای اتاق‌ها پرده بزنم، می‌گفت: چوب پرده لازم ندارد. همان میخ زدن کفایت می‌کند. این کارهایی که شما می‌کنید، باعث نگرانی من می‌شود.

همیشه می‌گفت: همان طور که بچه ما دوست دارد اسباب بازی داشته باشد، بچه‌های دیگران هم دوست دارند. بنابراین، بهتر است به طور یکسان بهره‌مند شوند، نه اینکه شما از چند نعمت برخوردار باشید و دیگران محروم بمانند. وقتی سر سفره می‌نشست، نگران بود مبادا کسی گرسنه باشد یا نتواند برای خود و خانواده غذا تهیه کند.

آن چیزی که سید احمد برای یک زندگی مشترک ترسیم می‌کرد، بسیار پسندیده بود؛ زیرا اعتقاد داشت دو نفر که با هم زندگی مشترک را بنا می گذارند، نباید همدیگر را محدود کنند، بلکه ضرورت دارد در تکامل فکری، عاطفی، و معرفتی هم بکوشند و یکدیگر را درک نمایند و به هم اعتماد داشته باشند. ازاین رو، احمد همسرش را به کسب معرفت و تحصیل تشویق می‌کرد. احمد در خانه می‌ماند، بچه‌ها را نگه می‌داشت و حتی برای ما غذا درست می‌کرد، تا ساعت پنج و شش بعدازظهر که من به خانه برمی گشتم.

همه اینها برای آن بود که من بتوانم درس خود را بخوانم. تشویق‌ها و فداکاری‌های او بود که به زندگی من معنا می‌بخشید و روح بخش زندگی ام بود. او به راستی برایم همچون دوستی دلسوز و مهربان بود. هرگاه غمی یا مشکلی داشتم، با او که در میان می‌گذاشتم، بهترین راهنمایی‌ها را ارائه می کرد. وقتی بیمار می‌شدم، از محیط کارش که به خاطر احوالپرسی مکرر از من به خانه می‌آمد، معنای عمیق این شعر را درک می‌کردم:

گر طبیبانه بیایی بر سر بالینم

به دو عالم ندهم لذت بیماری را

در مورد خدمت به والدینم به من سفارش می کرد. راضی بود که از حق خودش بگذرد تا من به وضع پدر و مادر رسیدگی کنم».(۱)

«رفتار سید احمد با فرزندان خود و نیز بچه‌های خواهرانش به گونه‌ای بود که همه فکر می کردند ایشان او را بیشتر از همه دوست دارد. بعد از رحلت امام، کوشش وی بر این بود که با اعضای بیت رهبری به گونه‌ای برخورد کند که هیچ کس احساس کمبود نکند.

با مادرش بسیار صمیمی و در عین حال با کمال احترام برخورد می کرد و بسیار مراقب حال وی بود».(۲)

سیر بیماری و چگونگی رحلت حاج سید احمد خمینی

سیر بیماری و چگونگی رحلت حاج سید احمد خمینی

احمد در سال‌های آخر عمر کوتاه و پربرکت خویش، دچار تحول عجیبی شده بود و بیشتر تمایل داشت گوشه خلوتی را برگزیند. حجت الاسلام سیدصادق سجادی، از دوستان نزدیک آن مرحوم در این باره گفته است: « یک بار سید احمد گفت: یک سال قبل در خواب دیدم حضرت امام می گوید: احمد خوب شو. خودت را اصلاح کن. این طرف امر مشکل است. این خواب مبدأ یک تحول برای ایشان شد و پس از آن مراقبت‌های ویژه‌ای داشت.

در ۴۵ کیلومتر قم، در بیابان کوشک، آن مرحوم در میان آن منطقه کویری به خانه‌ای کوچک و محقر می‌رفت و در آنجا کتاب اربعین امام را می‌خواند و سعی می کرد مطالب این کتاب را در وجود خود پیاده کند. ذکری را بر زبان جاری می کرد و حالات عرفانی شگفتی پیدا کرده بود و مکرر می گفت انسان باید خود را اصلاح کند و برای مرگ مهیا باشد».(۳)

۱- نک: گنجینه دل، مصاحبه با خانم فاطمه طباطبایی، صص ۵۳ _ ۸۱.

۲- گنجینه دل، گفت‌و گو با دکتر محمود بروجردی، ص ۹۳.

۳- عباس کاظم پور، مجله پیام حوزه، سال اول، زمستان ۱۳۷۴، ش ۴، صص ۷۶ و ۷۷؛ سید نعمت‌الله حسینی، جلوه‌های حسینی در سیمای خمینی، صص ۴۴۸ و ۴۴۹.

حجت الاسلام ناطق نوری هم افزوده است: «ایشان علامت‌هایی را دریافته بود و احساس می‌کرد در این باقی‌مانده عمر باید مبارزه با نفس را جدی‌تر بگیرد».

فرزند ارشدشان سید حسن خمینی نقل کرده است: «پدرم سید احمد در خانه گفته بود، یک کسی ندایی داد که من خیلی عمر نمی‌کنم، گویا الهاماتی به وی شده بود که سفر آخرت نزدیک است».

یکی از دوستانش هم گفته بود: «از احمد شنیدم که می‌گفت من اولین کسی از بیت امام هستم که به او ملحق می‌گردم. این را یادداشت کنید که من شوخی نمی‌کنم».(۱)

شبیه این گفته‌ها را آیات و حجج اسلام مهدوی کنی، خزعلی و کروبی و انصاریان هم مطرح کرده‌اند.(۲)

حاج عیسی، خدمتگزار مرحوم حاج احمد گفته بود: «بارها می‌شد که یادگار امام خبر رحلت خود را به من می‌داد. این اواخر درب را می‌بست و کسی را اجازه نمی‌داد وارد شود، ولی من چون کلید داشتم، درب را می گشودم و تا روز قبل از حادثه هم برایش ناهار بردم».(۳)

روز ۲۱ اسفند ۱۳۷۳، خبر بستری شدن یادگار امام، موجی از نگرانی را در جماران، سپس ایران پدید آورد. گزارش‌های بصری حاکی از آن بود که عارضه ناگهانی قلبی و تنفسی در حالت خواب، سبب ایست کامل دستگاه گردش خون و دستگاه تنفس شده و همین امر سبب سکته مغزی شده است. بی‌درنگ ایشان به بیمارستان تخصصی قلب و عروق بقیه الله انتقال یافت و پزشکان متخصص با استفاده از تجهیزات کامل بخش سی‌سی‌یو، فوریت‌های امدادی را آغاز می‌کنند. در سراسر کشور میلیون‌ها انسان مؤمن و شیفته امام

۱- عباس کاظم پور، مجله پیام حوزه، سال اول، زمستان ۱۳۷۴، ش ۴، صص ۷۶ و ۷۷

۲- رشد معلم، ش ۹، ص ۳۴.

۳- مجله حضور، سال ۱۳۷۴، ش ۱۰.

و یادگارش، دست به دعا و استغاثه بلند می‌کنند و حتی عده زیادی در بیمارستان حاضر شدند که اندام‌های مورد نیاز فرزند امام را اهدا کنند. در هر حال پس از پنج روز، تلاش خستگی ناپذیر تیم پزشکی نتیجه‌ای نداشت و در شامگاه روز ۲۵ اسفند ۱۳۷۳، سید احمد خمینی، ندای حق را لبیک گفت. فریاد شیون و زاری از جماران برخاست و ایران در رثای سردار نامدار نهضت خمینی، یکپارچه سیاه پوشید. صبح روز بعد، هزاران نفر از نقاط گوناگون کشور به تهران آمده بودند تا در مراسم وداع با پیکر مطهر احمد امام شرکت کنند. سرانجام بدن آن امین مخلص امام، پس از تشریفات شرعی و نماز میت توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای و تشییع باشکوه، با حضور اقشار گوناگون مردم، در حرم امام خمینی رحمه الله و کنار رهبر کبیر انقلاب به خاک سپرده شد.(۱)

بنا به وصیت پدر، سید حسن تولیت حرم امام خمینی رحمه الله و نیز سرپرستی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی را بر عهده گرفت.(۲) گزیده‌ای از نامه‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، نظرات، خاطرات و سخنرانی‌های سید احمد خمینی در چهار جلد به نام آیینه آفتاب، دلیل آفتاب، دیدگاه‌ها و مجموعه آثار فراهم آمده که مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله چاپ کرده است.(۳)

۱- روزنامه اطلاعات (ویژه‌نامه سالگرد ارتحال یادگار امام)، ۲۰/۱۲/۱۳۸۳، ش ۲۳۲۹۹، صص ۴ و ۵؛ خبرگان ملت، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲- مهاجر قبیله ایمان، ص ۶۰.

۳- آینه پژوهش، ش ۵۸، صص ۲۱۸ و ۲۱۹.

فصل پنجم: گزیده‌ای از سخنان و بیانات

اشاره

فصل پنجم: گزیده‌ای از سخنان و بیانات

زیر فصل ها

ائمه اطهار و عزت و اقتدار مسلمانان

ائمه اطهار و عزت و اقتدار مسلمانان

منشأ مشکلات جهان اسلام و شیعه چیزی جز درک نادرست مقاصد ائمه اطهار(ع) نیست. اگر اهداف ائمه شناخته و عملی شوند، نه تنها شیعیان در برابر جهان استکبار متحد می‌شوند که برادران اهل سنت ما نیز می‌توانند به اتحاد دست یابند و اجازه نخواهند داد مستکبران و نوکران آنان در کشورهای اسلامی، بر امور دنیا و آخرت چیره شوند.

برخی‌ها از دستور های اصولی ائمه اطهار(ع)، همسو بودن با محرومان، ایستادگی در برابر قدرت‌های ستمکار، برخورد با سرمایه‌داران، مستقل بودن در همه زمینه‌ها، دوری از هواهای نفسانی، پیروی از دستورهای قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. اگر همچون فقرا زندگی کردیم، شیعه ائمه اطهار هستیم و به یکی از اهداف آن بزرگواران رسیده‌ایم؛ اگر تعریف

و تمجیـد ولو نـاحق، دلمـان را شاد و انتقاد ولو سازنـده و درست روحمان را کـدر کرد، مطمئن باشـیم که شـیعه مولای متقیان نیستیم. اگر دلمان به غیر خدا اطمینان یافت، اگر برای غیر خدا چیزی را خواستیم، یقیناً شیعه آنها نیستیم.

حضرت امام خمینی رحمه الله و حضرت آیت الله خامنه‌ای، از نظر زندگی در کمال سادگی و از نظر صلابت در برابر دشمنان اسلام، چون ائمه اطهار، از آرمان‌های اسلامی مسلمانان جهان دفاع نموده و می‌نمایند. جمهوری اسلامی ایران در جهان کفر، الحاد و بی‌عفتی به وجود آمده که از اسلام، قرآن، پیامبر و ائمه(ع) دفاع می‌کند و به دلیل همین آرمان، مورد انواع آزارها قرار گرفته است.

ما به خاطر دفاع از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار(ع) به بدترین وجه، مورد حمله رسانه‌های گروهی جهان و گردانندگان آنان قرار گرفته‌ایم.(۱)

حمایت از رهبری و ولایت فقیه

حمایت از رهبری و ولایت فقیه

«امروز ولایت، نقطه وحدت امت حزب الله است. نظام از ولایت جدا نیست و هیچ کس حق شکستن حریم رهبری را ندارد. حرمت رهبری نظام اسلامی از اصول خدشه ناپذیر انقلاب اسلامی ماست. اگر امروز اختلاف موجب شود که به اقتدار ولی فقیه آسیب برسد، گناه بزرگی مرتکب شده‌ایم. امروز رهبر و نظام به عنوان شاخص حق در مقابل باطل در دنیا وجود دارند و ما باید پشت سر رهبرمان همه موانع را از سر راهمان برداریم. باید متحدتر، محکم‌تر و قاطع‌تر پشت رهبری باشیم و نگذاریم رهبرمان احساس تنهایی کند، همان طور که نگذاشتیم امام خمینی احساس تنهایی کند. اطاعت از خامنه‌ای، اطاعت از امام است. هرکس منکر این باور باشد، مطمئن باشید در خط امام نیست. من بعد از رحلت امام، با خدا و امام عهد کرده‌ام که کوچک ترین قدمی علیه رهبری و حتی خلاف میل او برندارم.

امروز حفظ وحدت امت اسلامی در پرتو حمایت از ولایت فقیه عملی خواهد بود. رهبری انقلاب اسلامی محور همه تصمیم‌گیری‌ها و حرکت‌های

۱- نک: رهنمودهای حاج سید احمد خمینی در کنفرانس جهانی اهل بیت(ع)، ۳/۳/۱۳۶۹؛ نک: آیینه آفتاب، صص ۳۱_ ۳۹.

اسلامی و انقلابی است. ولی فقیه محور ارزش‌های انقلاب است. هرکه از آن دوری گزینـد، از انقلاب و نظام دوری جسته و در پیشگاه باری تعالی مسئول است.

مواضع استوار و سازش ناپـذیر مقـام معظم رهبری، حضـرت آیت الله خـامنه ای، در برابر حیله‌هـای دنیای اسـتکباری، یادآور مواضع حکیمـانه امـام خمینی است. بایـد در برابر همه مظاهر انحراف و تهـاجم فرهنگی در ابعاد گوناگون، دسـتورات رهبری معظم انقلاب اسـلامی را نصب العین قرار دهیم. امروزه آرمـان‌هـا و ایـده‌هـای رهـبری در دنیـا به عنوان اموری اصـیل، الهی و اسـلامی شـناخته شـده است. هرکـدام از مـا وظیفه داریم مروج تفکرات رهبر معظم باشـیم. رهبر انقلاـب بـا همه توان در برابر باج‌خواهی قدرت‌ها ایستاده اند. اگر رهبری موضعی را به مصلحت نظام و انقلاب تشخیص دهند، همه باید از آن تبعیت کنیم؛ زیرا قائل به ولایت هستیم. باید خلأ وجودی امام خمینی را با پشتیبانی از رهبری و اتحاد و همدلی جبران کنیم تا اهداف امام و انقلاب با قدرت تداوم یابد.

امروز در کشور چیزی تحت عنوان بحران یا مشـکل سیاسی نداریم. بحمدالله نظام و انقلاب با قدرت در سطح جهان از مواضع به حق خود دفاع می‌کند و این باعث سـرافرازی است که هنوز خط امام به عنوان سیاست اصلی، مؤثر و غالب، از سوی رهبری معظم انقلاـب دنبـال می‌شـود و در سـایه تأییـدات الهی و نفس‌هـای قدسـی امـام راحـل و رهـبری حکیمـانه حضـرت آیت الله خامنه‌ای، همه توطئه‌های دشـمن بی‌ثمر مانده است و انقلاب به راه روشن خود ادامه می‌دهد. باید از تحلیل زدگی پرهیز کرد. تحلیـل مسائـل در سـایه اطـاعت از مقـام والاـی ولاـیت معتـبر است. همه بایـد سـعادت دین و دنیـا را در پیروی از ولاـیت فقیه جست‌وجو کنیم».(۱)

۱- نک: دیدگاه‌ها، صص ۲۳ _ ۳۴.

انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی

«عامل مهم در پیروزی‌های انقلاب اسلامی، حضور گسترده و باشکوه اقشار مختلف مردم در صحنه‌هاست. مهم‌ترین عامل پیشبرد آرمان‌های انقلاب و نظام، حفظ یگانگی و اتحاد کارگزاران نظام و توده‌های مردم است. یگانگی و همگونی مسئولین و مردم، از ویژگی‌های منحصر نهضت عظیم اسلامی ایران است و ما باید این نعمت الهی را قدر بدانیم و در جهت حمایت از انقلاب تلاش کنیم.

انقلاب اسلامی در مبارزه مستمر با نظام‌های سلطه‌گر، ظالم و زورگو استحکام یافت و پایه‌های ارزشی خود را مستقر کرد و این ارزش‌ها را عالمگیر نمود. نباید بگذاریم ارزش‌های انقلاب به وادی فراموشی سپرده شوند. آحاد مردم در قبال اسلام و انقلاب مسئولند. انقلاب اسلامی یکی از بزرگ‌ترین معجزه‌های تاریخ معاصر به شمار می‌رود؛ زیرا سیطره ظالمانه قدرت‌های استکباری را در چپاول منافع ملی مردم ایران قطع کرد و موجب خودباوری و اعتماد به نفس ملت‌های مسلمان و مستضعف شد.

انقلاب اسلامی ایران تحولی بزرگ در عصر معاصر بود که با پشتوانه عظیم معنوی و فرهنگی خود، برای همه انسان‌های آزاده سرمشق باقی خواهد ماند. انقلاب، رهایی از یوغ استبداد را در شرایطی ممکن ساخت که از هدف و ماهیتی کاملاً متفاوت با سایر انقلاب‌ها برخوردار بود. انقلاب اسلامی نشئت گرفته از نهضت پیامبران الهی بود که فرهنگ وابسته و منحط طاغوت را به فرهنگ اسلامی الهی تغییر داد.

رشد تفکر سیاسی و فرهنگی مردم از نعمت‌های بزرگ انقلاب است. ما باید ارزش‌های معنوی و آزادی اندیشه را به عنوان امتیاز اصلی انقلاب و نظام و اسلام در همه شئون رواج دهیم. سه عنصر تأییدات الهی، نقش حمایتی

مردم و هدایت روحانیت، مهم‌ترین عامل بقا و استمرار دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی است».(۱)

اتحاد و انسجام اسلامی

اتحاد و انسجام اسلامی

«بدانید و آگاه باشید، در صورتی می‌توانیم اسلام را سرافراز کنیم که اتحادمان را بیش از گذشته حفظ کنیم. امروز اسلام و نظام شدیداً محتاج اتحاد شماست. با بینش و فکر واحد در برابر دشمنان بایستید و دست ایادی استکبار را از منافع ملی و اسلامی تان قطع کنید».(۲)

«کشورهای اسلامی در زمینه ویژگی‌های جغرافیایی دارای نقاط مشترک فراوانی هستند. بنابراین، باید تلاش کنند از موقعیت‌های مشترک خود جهت اتحاد سیاسی استفاده کنند. ما باید سعی کنیم امت اسلامی در مسیر رهایی از سلطه استکبار جهانی، خودکفایی و برخورداری از یک زندگی سعادتمند و شایسته، توانایی‌های خود را در همه زمینه‌ها بشناسد و از آنها حداکثر بهر ه برداری را انجام دهد. در این راستا تبادل علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی در جهت انتقال تجربیات و مطالعات جغرافیایی باید مورد توجه واقع شود».(۳)

«احیای ارزش‌های معنوی، اتحاد و هم‌بستگی ملت‌های اسلامی، لازمه اقتدار و عظمت امت واحد اسلامی است».(۴)

«ملت‌های اسلامی اگر متحد باشند، نیروی بزرگی را تحت لوای ایدئولوژی اسلامی در جهت نیل به اهداف متعالی تشکیل خواهند داد. ایمان

۱- نک: دیدگاه‌ها، صص ۸۳ _ ۹۱.

۲- سخنرانی در دیدار با بسیجیان شیعه و سنی شهرستان گنبد، ۷/۸/۱۳۶۹.

۳- سخنرانی در دیدار با شرکت کنندگان در سمینار بررسی ویژگی‌های جغرافیایی جهان اسلام، ۳/۲/۱۳۷۱.

۴- سخنرانی در دیدار با میهمانان خارجی، ۱۶/۳/۱۳۷۱.

به قرآن، هم بستگی بین ملت‌های اسلامی و بی‌اعتنایی به قدرت‌های پوشالی، بهترین زمینه احیای خودباوری است».(۱)

«وحدت و هم‌بستگی ایدئولوژیك مسلمانان، بزرگ‌ترین تجلی قدرت و عظمت آنان در معادلات بین المللی است. وحدت حقیقی مسلمانان، زمانی عملی است که همه آنان احساس کنند درد مشترکی دارند. در شرایط کنونی، ملل اسلامی درد دین و هویت دارد و بر اساس اسلام خواهی و روح حقیقت طلبی خود چاره‌ای ندارند جز آنکه در مسیر احیای باورها و ارزش های اسلامی، تفرقه و پراکندگی را کنار بگذارند و برای ترسیم سرنوشت اسلام، تمام توان و امکانات خود را متمرکز سازند. دنیای استکباری رشد و گسترش اعتقادات اسلام را خطری جدی برای حفظ موجودیت خود می‌داند و امروز بر همه مسلمانان واجب است که با وحدت کلمه، حمایتگر اسلام ناب باشند».(۲)

«دشمنان اسلام همواره از مواضع پراکنده مسلمانان سود برده‌اند. ملت‌های اسلامی باید تحت عنوان امت واحد اسلامی در مجامع و صحنه‌های جهان نقش مؤثر و تعیین کننده داشته باشند. امیدواریم کشورهای اسلامی با اتحاد خود، حرف نهایی را در مجامع بین المللی بزنند؛ زیرا اتخاذ سیاست‌های دقیق بین المللی نیازمند تفاهم و شناخت جایگاه واقعی کشورهای اسلامی است و هیچ مشکلی در جهان بدون در نظر گرفتن قدرت و توانایی‌های سرشار کشورهای اسلامی حل نخواهد شد. حرکت به سمت تحقق امت واحد اسلامی در صورتی عملی خواهد بود که با هم متحد باشیم».(۳)

۱- سخنرانی در دیدار با رئیس ستاد ارتش سودان، ۹/۴/۱۳۷۱.

۲- سخنرانی در کنفرانس وحدت اسلامی، ۵/۶/۱۳۷۱.

۳- سخنرانی در دیدار با نخست وزیر مالزی، ۱۵/۱/۱۳۷۲.

خودباوری و خودکفایی علمی و فرهنگی

خودباوری و خودکفایی علمی و فرهنگی

اگر نتوانیم روی پای خود بایستیم، اگر نتوانیم به وسیله دانش خود را اداره کنیم، ناچار تسلیم (ابرقدرت‌ها و بیگانگان) می‌شویم. پس یک جامعه اگر بخواهد آزاد (و مستقل) زندگی کند، باید ابتدا از نظر اعتقادی و علمی قوی باشد. ثانیاً از نظر علمی و آزادی خواهی در حدی باشد که زیر بار زور نرود، یعنی طرفدار استقلال و آزادگی باشد».(۱)

«امروز دستیابی به جدیدترین دستاوردهای علوم و معارف، برای تقویت پشتوانه علمی، تخصصی نظام و انقلاب ضروری است. نظام و انقلاب ما به عالمان متعهد شدیداً نیاز دارد. برای تحقق اهداف انقلاب باید در تمامی زمینه‌ها به علم دین و دنیا مجهز شویم. (البته) باید در کنار کسب علم و معارف، تهذیب نفس را فراموش نکنید تا از مسیر الهی که علم را عین عبادت می‌داند، منحرف نشوید».(۲)

«شما دانش‌آموزان و دانشجویان اگر به سطوح بالای تخصصی و علمی برسید و خودکفایی و استقلال کشور را بیمه سازید، منشأ الهام برای نظام‌های نوظهور اسلامی در آینده خواهید شد و آنها از منبع علمی شما تغذیه خواهند کرد. این نکته همان چیزی است که هراس در دل جهان غرب افکنده است و شما باید در این جهت، مجدانه تلاش کنید و با توکل بر ذات حق حرکت کنید».(۳)

«تحول فرهنگی، زیر بنای رشد و توسعه در زمینه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. ما امروز بیش از هر زمانی با تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان سلطه‌گر به شکلی بی‌رحمانه مواجه هستیم. در این شرایط دشوار باید جامعه از فرهنگ اصیل اسلامی تغذیه گردد».(۴)

۱- سخنرانی در دیدار با گروهی از دانش‌آموزان، ۱۰/۱۱/۱۳۶۹.

۲- سخنرانی در دیدار با معلمان، مربیان و دانش‌آموزان، ۱۶/۸/۱۳۷۰.

۳- سخنرانی در دیدار با دانش‌آموزان، ۱۶/۱۱/۱۳۷۰.

۴- سخنرانی در دیدار با مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۹/۱۰/ ۱۳۷۱.

«تحقق استقلال فکری و فرهنگی کشور در سایه توجه به آینده سازان علمی است. باید دانشجویان و دانش‌آموزان به هویت فرهنگی خود افتخار کنند و عمیقاً بر این باور باشند که نیاز به غیر ندارند. البته دستاوردهای علمی، متعلق به نوع بشر است و ما می‌توانیم با فرهنگ‌های دیگر دادوستد فکری داشته باشیم، اما به شرطی که مانع بازگشتن به خویشتن و استقلال خواهی نبوده و موجب اعمال سلطه فرهنگی نشود... . کشور ما در طول تاریخ از بنیه فرهنگی استواری برخوردار بوده است و ملت‌های جهان در بسیاری از زمینه‌ها، از دستاوردهای علمی و فرهنگی دانشمندان و متفکرین ما بهره جسته‌اند. بنابراین، با چنین پشتوانه عظیم فرهنگی باید با صلابت و عزت نفس بر ارزش‌های فرهنگی خود مباهات کنیم».(۱)

«رشد باورهای دینی و اعتقادی، اعتماد و عزت نفس در میان نسل جوان و پرهیز از مظاهر بی‌محتوای دنیای مادی غرب، می‌تواند استقلال کشور را بیمه کند. شعار استقلال کافی نیست. باید روح استقلال طلبی، بازگشت به خویشتن اصیل خویش و توجه به ارزش‌های معنوی در کالبد نسل جوان دمیده شود تا در برابر فرهنگ مهاجم و مبتذل غرب ایمن و مصون باشیم».(۲)

فلسطین و لبنان

فلسطین و لبنان

«امروز رهبران خائن و سازشکاری که حاضر شده‌اند ننگ ابدی برای خود رقم بزنند، باید بدانند که خون شهدای راه حقیقت و آزادی همچنان در رگ های فرزندان انقلابی فلسطین جاری است و قیام مسلمانان سراسر جهان در برابر اردوگاه کفر و استکبار، با قوت و شدت بیشتری ادامه خواهد داشت».(۳)

۱- بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۹/۲/۱۳۷۲.

۲- بیانات در دیدار با انجمن‌های اسلامی، ۶/۳/۱۳۷۲.

۳- سخنرانی در دیدار با خانواده‌های شهدای استان تهران، ۱۵/۵/۱۳۷۰.

«رژیم نامشروع اشغالگر قدس، جز زبان زور و مبارزه مسلحانه را نمی فهمد و یگانه راه استمرار مبارزه حق طلبانه مسلمانان مظلوم لبنان و فلسطین و سرزمین‌های اشغالی، جهاد مسلحانه است. راه حق، راه حزب الله است و ما هرگونه سازش با اسرائیل غاصب را محکوم به شکست می‌دانیم. امروز هر نوع سیاستی که موجب مشروعیت رژیم صهیونیستی شود، خیانت به آرمان‌های اسلامی و انقلاب است».(۱)

«مبارزه و قیام مسلمانان فلسطین برای محو آثار تجاوز صهیونیسم باید در رأس مسائل جهان اسلام، مورد توجه عموم مسلمین قرار گیرد. امروز مبارزه با صهیونیسم در منطقه خاورمیانه مصداق عینی مبارزه با امریکا و استکبار جهانی است. اسرائیل، مظهر همه مظالم و ستمگری‌هایی است که بر مسلمانان منطقه خاورمیانه به خصوص فلسطین عزیز اعمال شده است».(۲)

«در این مقطع حساس از تاریخ فلسطین، بر انقلابیون اصیل و پیروان اندیشه‌های حضرت امام خمینی رحمه الله واجب است که با حفظ روحیه مبارزه و جهاد، نگذارند انتفاضه دچار سردی و رکود شود. دفاع از آرمان فلسطین، از اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است. نظام و انقلاب اسلامی ایران دفاع از ملت فلسطین و مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل خود تلقی می‌کند».(۳)

«روز جهانی قدس، روز نمایش قدرت سیاسی و مبارزاتی امت واحد اسلامی برای رویارویی با توسعه طلبی امپریالیسم و صهیونیسم است. شرکت در این راهپیمایی و اعلام حمایت و هم بستگی با ملت مظلوم فلسطینی، یک وظیفه انسانی ــ اسلامی است».(۴)

۱- سخنرانی در دیدار با خواهران بسیجی، ۵/۳/۱۳۷۱.

۲- سخنرانی در دیدار با دانش‌آموزان حامی انقلاب فلسطین، ۲۹/ ۷/۱۳۷۱.

۳- سخنرانی در دیدار با فتحی شقاقی رهبر سابق جهاد اسلامی فلسطین، ۲۰/۷/۱۳۷۲.

۴- پیام جهت راهپیمایی روز جهانی قدس، ۱۷/۱۲/۱۳۷۱.

درباره امام خمینی رحمه الله

درباره امام خمینی رحمه الله

«(امـام) خمینی را نیـازی به وصف مـا نیست، که همه وجودش انقطاع الی الله بود و در میـدان عرفان عملی و مجاهـده با نفس، جاذبه‌های دنیایی را پیش از آنکه بشناسیمش، به اهلش وانهاده بود، بلکه آنچه را که نیازمند بازگویی و بیان آنیم، شناخت راه و آرمان خمینی است».(۱)

«امـام خمینی با نفی مظاهر وجود مادی، خلوت خویش را فانی فی الله و محو در جمال دوست می‌بینـد؛ خلوتی که شـعله‌هایش آتش عشـقش جگرسوز شـد و بـا عروجش، جان و دلِ شـیفتگان را ذوب کرد و سوگ او اسـطوره‌ای شـد بر زمین. او بود که سلاسل و اغلال بردگی را پاره کرد و قرن ما قرن خمینی شـد؛ خمینی که خورشـید پر معرفت و رهایی انسان شد و نام و یاد او فروزنده تر از خورشید در پهن دشت اندیشه بشر امروز می‌درخشد.

شخصـیت امـام در زمینه‌هـای گوناگون علمی، اخلاقی، عرفانی، سیاسـی و مبارزاتی برای مسـلمانان دنیا ناشـناخته است. امام با آفریدن نظام جدیدی در معادلات سیاسی جهان، موجبات بیداری و امیدواری ملت‌های مظلوم را فراهم آوردند.

بی‌تردید با آغاز دورانی که با نام امام خمینی رقم خورده است،(۲) تحت ستم در مبارزات اعتقادی خود قوّت و قدرت بیشتری خواهند یافت، امروز درهای امیدواری بر روی آنان باز شده است».(۳)

«(امـام) بزرگ مردی است که بـا ایمـان به خـدا و اسـلام و اعتقاد به نقش مردم، مبارزه‌ای طولانی را آغاز و مرحله به مرحله با قاطعیت و پرداختن

۱- پدر؛ ای علمدار مکتب مظلوم، سید احمد خمینی، مندرج در کتاب آیینه آفتاب، صص ۱۲ و ۱۳.

۲- مقدمه حاج سید احمد خمینی بر کتاب خلوت خورشید.

۳- حاج سـید احمد خمینی، «امام، حوزه و سـیاست»، فصلنامه حضور، بهار ۱۳۷۰، (یادمان دومین سالگرد رحلت حضـرت امام خمینی رحمه الله).

بهای لازم آن را رهبری کرد و با شعار شهادت و پیروزی خون بر شمشیر، بر آهن و فولاد و سلاح‌های پیشرفته غلبه کرد و در عین ناباوری جهانیان و اتحاد تمامی دشمنان دین، نظامی اسلامی و مستقل را استقرار بخشید. به اسلام و مسلمین عزت داد. پیروان اسلام امریکایی را افشا نمود. رستاخیز و انقلابی عمیق در دل میلیون‌ها مسلمان خسته از حاکمیت ستمگران به وجود آورد. روح حقیقت را در مناسک و مفاهیم تحریف شده دمید و معنویت، تقوا، عرفان و حقایق ماورای محاسبات مادی را در عصر حاکمیت همه جانبه تفکر مادی نمایاند.

صدای شکستن استخوان‌های مارکسیسم را پیش از آنکه دیگران باور کنند، به گوش جهانیان رسانید. روح اتکا به نفس، خودباوری و بازگشت به هویت اسلامی را در جوامع مسلمین، به ویژه در میان نسل جوان دمید».(۱)

بانوان

بانوان

«زن در نظام اسلامی به پیروی از حضرت فاطمه(س)، علاوه بر تعلیم و تربیت فرزندان صالح، حضوری تعیین کننده در تمامی صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد. در هیچ مکتب و نظام اعتقادی، به اندازه اسلام برای مرتبه و مقام زن ارج قائل نشده‌اند.

زنان در متن انقلاب و در تمامی صحنه‌های مبارزاتی حضور داشته‌اند و در تمامی زمینه‌ها با روحیه‌ای بالا حضور خود را حفظ کرده‌اند. در کشاکش مبارزات مردم مسلمان ایران، زندان‌های شاه شاهد زنان انقلابی مسلمانی بود که انواع شکنجه‌ها را با جان و دل می‌خریدند. خیل عظیمی از زنان انقلابی ما، شوق اصلی شوهران و فرزندان خود، برای حضور در جبهه‌های جنگ بودند».(۲)

۱- مقدمه کتاب کوثر به قلم حاج سید احمد خمینی.

۲- سخنرانی در دیدار با گروهی از بانوان، ۱۴/۱۰/۱۳۶۹.

«امروز حیات و استمرار انقلاب اسلامی، حضور فعال بانوان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌طلبد».(۱)

«هسته اصلی انقلاب اسلامی را زنان و مردان تشکیل داده‌اند و ما فکر می‌کنیم که زنان مسلمان با ایفای نقش تاریخی و مذهبی خود در شئون مختلف انقلاب و نظام اسلامی، چهره ممتازی از زن مسلمان به جهانیان نشان داده‌اند. امام و همه مسئولین نظام بر خلاف تبلیغات سوء دشمنان، تصویری روشن از جایگاه اجتماعی زن داشته‌اند و ما در حساس‌ترین لحظات تاریخ انقلاب اسلامی شاهد بوده‌ایم که زنان ما با ایفای نقشی تعیین کننده، رشد و بلوغ سیاسی و فرهنگی خود را به اثبات رسانیده‌اند».(۲)

«درود خداوند بر زنانی که در راه دفاع از کیان اسلامی در عرصه‌های پیکار با دشمنان به شهادت رسیدند و از مال و جان و همه چیز خود گذشتند تا موجبات اعتلای اسلام و قرآن را فراهم آورند. آفرین بر شما شیرزنانی که تاریخ انقلاب و اسلام مرهون فداکاری و جهاد مخلصانه‌تان گردید».(۳)

منابعی برای پژوهش افزون‌تر

منابعی برای پژوهش افزون‌تر

۱. انصاری، حمید، مهاجر قبیله ایمان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۲. گلی زواره، غلامرضا، سیاحت خورشید، تهران، هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۳. دلیل آفتاب (خاطرات یادگار امام)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۴. حکایت مهر (یادنامه اولین سالگرد رحلت یادگار امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱- بیانات در سمینار حقوق و نقش اجتماعی زن، ۱۵/۱۱/۱۳۶۹.

۲- بیانات در دیدار با وزیر بهداری جمهوری ترکمنستان، ۲۱/۸/۱۳۷۱.

۳- سخنرانی در جمع بسیجیان، ۴/۷/۱۳۷۲.

۵. گنجینه دل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۶.اطلاعات ضمیمه (ویژه هفتمین سالگرد درگذشت حاج سید احمد خمینی).

۷.شاهد یاران، ویژه نامه حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی، ش ۱۷، سال سوم، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

۸.ماهنامه نامه جامعه، ویژه نامه حاج سید احمد خمینی، ش ۱۸، اسفند ۱۳۸۴.

فصل ششم: با برنامه‌سازان

اشاره

فصل ششم: با برنامه‌سازان

سید احمد خمینی، نقش بارز و تعیین کننده‌ای در نهضت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران داشته و پیش از پیروزی انقلاب، رابطی امین و مطمئن میان مبارزان و امام خمینی بوده است و بعد از پیروزی، به عنوان مشاور موثق امام و با شرکت در جلسات مهم نظام اسلامی، نقش راهگشایی برای رفع مشکلات کشور داشته است. هوش فوق‌العاده، فراست و کاردانی به همراه ایمان، تقید و اخلاص و فداکاری کم نظیر، از ویژگی‌های یادگار امام است. البته این ویژگی‌ها به دلیل فروتنی و تمایل به گمنامی ایشان و وجود خورشید درخشان امام، ناشناخته مانده که باید در عرصه برنامه‌سازی به شایستگی پررنگ شود. بررسی و توجه به وظایف و مسئولیت‌های وی در سمت‌های گوناگون نیز می‌تواند کمک کننده باشد.

موضوعات برنامه‌سازی

موضوعات برنامه‌سازی

۱.بیان خاطرات همسر، فرزندان و دیگر بستگان ایشان؛

۲.گفت وگو با آیات محترم و حجج اسلامی که به گونه ای با حاج سید احمد ارتباط داشته و مأنوس بوده اند، از جمله محمد حسن رحیمیان، موسوی اردبیلی، مهدوی کنی، امامی کاشانی، سید مهدی جمارانی، حمید انصاری، سید محمد موسوی بجنوردی، محمد محمدی ری شهری، محمدی گیلانی، حسین راستی کاشانی و... .

۳. نقش همسر ایشان، خانم فاطمه طباطبایی در تلاش های سیاسی، فرهنگی حاج سید احمد خمینی.

۴. رابطه حاج سید احمد با رهبری و شخصیت های برجسته نظام.

۵. نقش حاج سید احمد در جریان های مهم سیاسی، مانند اشغال لانه جاسوسی، ماجرای بنی صدر، منافقان، خط سوم، جنگ تحمیلی، عزل منتظری و... .

ص:۷۱

۶. ناشناخته ماندن سید احمد نزد مردم با وجود زحمت های فراوان ایشان.

پرسش‌های مسابقه‌ای

پرسش‌های مسابقه‌ای

۱.جد اعلای سید احمد که بود و به کجا مهاجرت کرد؟

الف) سید دین علی، به مالزی

ب) سید احمد، به اراک

ج) سید نورالدین، به قم

د) سید دین علی، به کشمیر

۲.حاج میرزا محمد ثقفی، پدر بزرگ مادری سید احمد، صاحب چه تفسیری است؟

الف) تفسیر نور

ب) تفسیر روان جاوید

ج) تفسیر مأثور

د: تفسیر عرفانی

۳.سید احمد کجا به دنیا آمد؟

الف) یخچال قاضی قم

ب) باغ قلعه قم

ج) پارک اتابکی قم

د: منزل خانوادگی خمین

۴.اولین سفر حاج سید احمد به عراق در چه سالی صورت گرفت؟

الف) سال ۱۳۴۲ □

ب) سال ۱۳۴۳ □

ج) سال ۱۳۴۵ □

د) سال ۱۳۴۸ □

۵.حاج سید احمد از سال ۱۳۵۰ خورشیدی، چه مسئولیتی را بر عهده داشت؟

الف) بیت امام خمینی

ب) تقسیم شهریه بین طلاب

ج) تشکیلات مخفی فضلای حوزه

د) هیچ کدام

۶.احمد در لبنان با چه کسی دیدار داشت؟

الف) امام موسی صدر

ب) سید محمد حسین فضل الله

ج) شهید چمران

د) ابوجهاد

۷.سید احمد ورود امام به پاریس را به چه کسی خبر داد؟

الف) شهید مطهری

ب) آیت الله خامنه ای

ج) آیت الله پسندیده

د) سید محمد خوئینی ها

۸.از وظایف مهم سید احمد در دفاع مقدس چه بود؟

الف) ارتباط مستمر با شورای عالی دفاع

ب) شرکت در جلسات شورای عالی دفاع

ج) ارتباط با فرماندهان نظامی

د) تمام موارد

۹. در هفده فروردین ۱۳۷۰، مقام معظم رهبری چه مسئولیتی را به سید احمد خمینی سپرد؟

الف) سرپرستی حجاج ایرانی

ب) عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام

ص:۷۳

ج) عضویت در جلسات رؤسای سه قوه

د) عضویت در هیئت امنای مرکزی کمیته امداد امام خمینی

۱۰.این جمله از کیست: «احمد اعز اشخاص برای من است.»

الف) مقام معظم رهبری

ب) هاشمی رفسنجانی

ج) امام خمینی

د) شهید دکتر بهشتی

۱۱.امام در دفاع از سید احمد، طی نامه ای کدام اتهام ها به فرزندش را بی اساس دانست؟

الف) طرفداری از منافقان

ب) ماجرای بنی صدر

ج) مخالفت با روحانیت

د) تمام موارد

۱۲. احمد در سال های آخر عمر برای خودسازی به کجا رفت؟

الف) گوشه خلوتی در جماران

ب) حرم امام خمینی

ج) خانه ای در بیابان کوشک

د) بیت امام در قم

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱.محور مهم تلاش های سید احمد در سال های تبعید پدرش در ترکیه و نجف چه بود؟

۲.احمد در پاریس، برای چه اموری برنامه ریزی کرد؟

۳.در ماجرای عزل بنی صدر، نقش سید احمد و موضع گیری وی چگونه بود؟

۴.دیدگاه سید احمد درباره تشکیلات چیست و چرا ماجرای خط سوم به عنوان یک تشکل مطرح شد؟

۵.سید احمد در عصر فقدان امام تا زمان رحلت، کوشش های خویش را در چه اموری متمرکز ساخت؟

۶.نامه نگاری های میان امام و سید احمد، به چند دسته تقسیم می شود و دارای چه نکاتی است؟

کتابنامه

کتابنامه

الف) کتاب ها

۱. انصاری، حمید، مهاجر قبیله ایمان، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۲.آیینه آفتاب (تبیان اندیشه امام در کلام و پیام حاج سید احمد خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۳. برّی دیزجی، علی، روزها و رویدادها، تهران، زاهد، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۴. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، قم، نورالسجاد، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴.

۵. حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶. حکایت مهر (یادمان اولین سالگرد رحلت یادگار امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۷. خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی، به کوشش: محمدرضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸.خاطرات آیت الله پسندیده، به کوشش: محمدجواد مرادی نیا، تهران، حدیث، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۹.خبرگان ملت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۰.دلیل آفتاب (خاطرات یادگار امام)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۱۱.دیدگاه ها (منتخبی از مواضع حاج سید احمد خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، بی تا.

۱۲.روحانی، سید حمید، نهضت امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۱۳.ستوده، حمیدرضا، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۴.صادق الوعد، رحیم، ردّ پا، تهران، مؤلف، بی تا.

۱۵.فارسی، جلال الدین، زوایای تاریک، تهران، حدیث، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۶.فردوسی پور، اسماعیل، همگام با خورشید، قم، مجتمع فرهنگی اجتماعی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۷.قادری، سید علی، خمینی؛ روح الله، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۱۸.کاظم پور، عباس، «فراق یادگار یار»، نشریه پیام حوزه، شماره ۴.

۱۹.کوثر، (مجموعه سخنرانی های امام خمینی همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی با تجدید نظر و اضافات)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲۰.گلی زواره، غلامرضا، سرای اهل صفا، قم، مکتب القرآن، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۱.________________، سیاحت خورشید، تهران، هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۲۲.گنجینه دل (مجموعه خاطرات یاران در وصف حاج سید احمد خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

۲۳.موسوی روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۲۴.نعیمی، داود، افتخارآفرینان استان مرکزی، قم، کومه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۵.واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، روزشمار انقلاب اسلامی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۶.وعده دیدار، (نامه های امام خمینی به حاج سید احمد خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.

۲۷.یاد یادگار امام، گردآورنده: علی اصغر شعردوست، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۲۸.یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید آیت الله مدنی)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۲۹.یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید دکتر چمران)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۸.

ب) نشریات

۱.«احمد امام محمود امت»، مجله پیام زن، سال دهم، شماره ۱۲۰.

۲.«خاطراتی منتشر نشده از یادگار امام»، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۱۸، بهار ۱۳۷۷.

۳.شاهد یاران (ویژه نامه حاج سید احمد خمینی)، ماهنامه تاریخی ـ فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران، سال سوم، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۸۶.

۴.مصاحبه با حاج سید احمد خمینی، روزنامه اطلاعات، ۷/۲/۱۳۶۱.

۵.موسوی خمینی، سید احمد، «امام حوزه و سیاست»، فصلنامه حضور، یادمان دومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی، بهار ۱۳۷۰.

۶.نیک بخت، رحیم، «آشنای غریب»، ویژه نامه یادگار آفتاب، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۲۱۵۶، ۲۵/۱۲/۱۳۷۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹